

# توطئه هفتم امریکا علیه انقلاب

## آغاز شده است

نامه  
مردم  
ارکان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۷  
چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۹ صفر ۱۴۰۱، بهار ۱۵ ریل

«پس از درهم شکستن توطئه ششم آمریکا، توطئه هفتم این دشمن شماره یک انقلاب ایران و همه محرومان جهان با دامنه‌ای وسیع تر و شدتی به مراتب زیاده‌تر وارد مرحله عمل خواهد گردید.»  
(رفیق نورالدین کیانوری - ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹، نامه «مردم» - ۱۴ آبان ۱۳۵۹)  
اکنون باید گفت که تدارک وسیع امپریالیسم آمریکا برای اجرای توطئه هفتمی که دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۲۳ روز بعد از توطئه ششم امپریالیسم آمریکا، بر سرینش شناخت علمی حزب توده ایران از عملکرد امپریالیسم و تحلیل

علمی از اوضاع کشور، آن را پیش‌بینی کرده، مدتی است که آغاز شده است.  
مردود آنچه که در لحظات کنونی در مین ما می‌گذرد، در مقایسه آن با جوی که پیش از

تساکتون دو مرحله از تدارک وسیع امپریالیسم آمریکا برای اجرای توطئه هفتم آغاز شده و مرحله سوم آن در آستانه اجرا است.  
رویدادهای هفته‌های اخیر شباهت عجیبی با حوادث روزهای قبل از تهاجم طبرستان و کودتای نوزده دارد.

توطئه‌های ششگانه قبلی آمریکا و بویژه تهاجم نظامی طبرستان و کودتای نوزده در ایران وجود داشت، کمترین تردیدی باقی نمی‌گذارد که در پشت پرده

غباری که این بار با دامنه‌ای وسیع‌تر از همیشه برپا شده است، امپریالیسم خونخوار آمریکا در کار توطئه‌های جنایتکارانه برای نابودی انقلاب و سرنگونی

جمهوری اسلامی ایران است. همه بیاد دارند که پیش از تهاجم نظامی آمریکا به طبرستان، چگونه مسئله تعطیل دانشگاهها بسورت جنجال عظیمی درآمد، که در پس‌پایان، کماندهای آمریکایی بسوی خاک مین ما در پرواز بودند، بگذارید، در زمینه اجتماعی روزهای قبل از کودتای نوزده، اندکسی بیشتر درنگ نکند، برآستی نگاه

دو باره به رویدادهای ۶ ماه پیش، سخت‌شکفت‌آور و عبرت‌آموز است.  
توطئه پنجم  
اکنون همه می‌دانند که امپریالیسم آمریکا روز ۱۸ آبان ۵۹ را برای کودتای نظر گرفته بود. در این روز قرار بود با اجرای طرح جنایتکارانه‌ای، که ایک مردم ایران از جزئیات آن آگاه هستند، با یک کودتای نظامی، جمهوری اسلامی ایران سرنگون شود. برای آنکه نظرها از این نقشه خائنه و جنایتکارانه منحرف نشود، طبق نسخه «خواب‌گن» کودتای «عمل شد تا انقلاب با استفاده از داروهای سمی آن، بخاک مرگ فرودد. این توطئه بویژه در روزهای اول تهاجم تیرماه به اوج خود رسید. از روز اول تیرماه، درحالیکه

دکتران بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران» برگزار می‌شد، بحث و گفت‌وگو بر سر مسائل فرعی بین مسئولان مختلف کشور آغاز شد. پیشک آنتن این بحث را عوامل ناشناخته امپریالیسم، مستقیم و غیرمستقیم، برافروخته بودند، تا مسئولان انقلابی کشور سرگرم آن شوند. نامه «مردم»، در شماره سوم تیرماه ۱۳۵۹، زیر تیتر درشت «دشمن اصلی، امپریالیسم آمریکا را فراموش نکنیم» نوشت:

«جو سیاسی ایران آکنده از اختراعات و جر و بحث‌ها شده است. دقیق‌تر بگویم، آن را آکنده از اختلافات کرده‌اند. نتیجه مستقیم آن هم آشکار است. محیطی بوجود آمده است که گویی اصل مطلب را همه دولت‌مداران فراموش کرده‌اند. دقیق‌تر بگویم، طوری همه جریانات سمت داده می‌شود که اصل مطلب فراموش می‌شود و اصل مطلب چیست جز نبرد مرگ و زندگی با امپریالیسم آمریکا؟»

۱۵ روز بعد، صحت هشدار حزب توده ایران بنیوت رسید و آشکار شد که دامنه بحث‌های فرعی خواست دشمن بوده است که، از کانال‌های معین، به مسئولان انقلابی کشور تحمیل شده است.

درحالیکه این بحث‌ها دامنه داشت، حلقه‌های دیگری هم به این حلقه اصلی می‌پیوست. در همین روزها کنفرانس اسلام آمریکایی در پاکستان جریان داشت و تلاش تب‌آلودی میشد که به بهانه مسئله افغانستان، نظرها را به جانب اتحاد شوروی معطوف کنند. همزمان با این فعالیت کنفرانس اسلام آمریکایی، امپریالیسم خیری بطور بیسابقه‌ای اخبار سرپا دروغ درباره افغانستان مخابره می‌کرد و متأسفانه روزنامه‌های کشور هم قترهای درشت

## به پشتیبانی از امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در راه پیمائی روز پنجشنبه ۲۷ آذرماه ۵۹ شرکت کنیم

دشمن‌امپریالیستی و مردمی ایران هراداری کرده و میکند و در اثنای توطئه‌های شیطانی امپریالیسم آمریکا برای سرکوب انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران شرکت فعال داشته و دارد. رویدادهای تحریک‌آمیز هفته‌های اخیر را بعنوان پیش‌درآمدی برای تدارک توطئه جدید امپریالیستی - ارتجاعی ارزیابی می‌کند. این تحریکات همچنین بازتابی است از هراس سرمایه‌داران وابسته و بزرگ‌مالکان، لیبرال‌ها و مانوئیست‌ها از تعمیق انقلاب بزرگ ایران و کوشش برای مقابله با آن.

## در ادامه نبرد با دشمنان متجاوز رزمندگان انقلاب تعدادی از سنگرها و تجهیزات دشمن را نابود کردند

۲۸ سنگر دشمن در جبهه‌های جنوب توسط آتش پامداران انقلاب نابود شد.  
چریکی به متجاوزان بعثی، ۲ دستگاه تانک P.M.P، یک چادر مهمات و چند سنگر نفرت‌دشمن را منهدم کردند. براساس این گزارش تلفاتی به نیروهای انقلاب وارد نیامد.  
گزارش دیگر خیرنگار دفتر مرکزی خبر، که به نقل از دیده‌بانهای سپاه پاسداران مخابره شده، حاکیست:  
برائت آتش خمپاره‌اندازهای این رزمندگان، که از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح ادامه داشت، ۲۸ سنگر دشمن نابود شده است. در همین گزارش آمده است که پاسداران مستقر در جبهه کرخه نیز با آتش خمپاره‌چندین سنگر، مقادیری مهمات و تعدادی از خودروهای دشمن متجاوز را منهدم کردند.  
دفتر مرکزی خبر، در گزارش دیگری، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران خوزستان، اعلام کرد:  
در جبهه کرخه کوریک کامرون حامل نفرت مزدوران صدامی برائت اصابت با مینی که توسط برادران پاسدار کار گذاشته شده بود، منهدم شد و حدود ۳۰ نفر از آنان به هلاکت رسیدند.  
گزارشهای رسیده توسط دفتر مرکزی خبر همچنین حاکیست: طی روز دوشنبه در جبهه‌های سوسنگرد، آب‌تیمور و فارس‌یاب در جنوب غربی اهواز ۶ تن از رزمندگان انقلاب مجروح شدند. بنابه این گزارش، عصر دوشنبه مناطق مسکونی اهواز هدف توبخانه جنایتکاران صدام قرار گرفت، که از تلفات احتمالی خبری نرسیده است.

بیاد ناخدا، دوم شهید محمدابراهیم همتی فرمانده ناوچه یگان و هم‌زمانش

### مردی در افاق

افق پر میشود از قامت ای مرد صدایت در صدای موج می‌آید درون شعر آن مردان که میرانند بر توفان و می‌بینم که می‌نوشی تو با یک جرعه توفان را و می‌بینم که می‌گیری درون سینه دریا را صدای مسوج می‌آید سرود تست افق را میسرانی سرخ زمین را میسرانی سبز و فردا را سپید و سربرآزنده...

سیاوش کسرائی  
۲۴ آذر ۱۳۵۹

### «اوپک» سازمان کشور های صادر کننده نفت نقش گذشته، حال و آینده این سازمان

صفحه ۲

آیت‌الله منتظری:  
آمریکا و دستیارانش به فکر گشودن جبهه جنگ در داخل صف ملت افتاده‌اند

صفحه ۷

### هشدار به کارگران مبارز درباره توطئه اعتصاب، کم‌کاری و تحریک در کارخانه‌ها و کارگاههای مهم تولیدی و خدماتی

صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# «اوپک» سازمان کشورهای صادرکننده نفت

## نقش گذشته، حال و آینده این سازمان

### نقش ایران در «اوپک»

این امر که با وجود جنگ بین دو کشور از اعضاء «اوپک»، معدک سازمان کشورهای صادرکننده نفت از هم نباشند و توانست موجودیت خود را حفظ کند و هم اکنون ایندگان آن در پالی (اندونزی) در یکی از کنفرانسهای نوینی گرد آمده‌اند، تا به حل و فصل مسائل مورد علاقه بپردازند، پدستی افکار عمومی را متوجه مواضع مستحکمی می‌سازد که این سازمان بر پایه آن بوجود آمده، بر آن اساس حق حیات خود را تثبیت کرده و برای حال و آینده، نوید پیروزیهای بیشتری را می‌دهد.

در این نوشته سعی ما مروری بر گذشته، حال و آینده این سازمان است، تا نقش و اهمیتی که این سازمان در مبارزه کلیه ملل و کشورهای نفتخیز در حال رشد علیه سلطه امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی آن ایفا کرده و خواهد کرد، بیشتر روشن گردد.

علل پیدایش «اوپک»، مراحل اصلی مبارزات این سازمان در ۲۰ سال گذشته، نقش ایران در پیدایش و مبارزات این سازمان از مسائلی است که در این رشته به آنها پرداخته ایم.

### علل پیدایش «اوپک»

پس از شکست نهضت ملی شدن نفت در ایران، دول امپریالیستی و در صف مقدم، انحصارات امپریالیستی نفت، که در دهه اول پس از جنگ جهانی دوم تا حدی روش مدارا در برابر کشورهای نفتخیز در پیش گرفته بودند و در برخی موارد، مانند ملی شدن نفت در ایران و مبارزات حق طلبانه در ونزوئلا و نظایر آن، به عقب‌نشینی‌هایی ناچار گردیده بودند، روش تهاجمی در پیش گرفتند و در مقیاس وسیعی به تنسیع حقوق ملل کشورهای نفتخیز در حال رشد پرداختند. بویژه انحصارات نفتی عضو کارتل بین‌المللی نفت (هفت خواهران)، مرکب از پنج شرکت نفتی عمده آمریکایی، و شرکتی نفتی «رویال داچ شل» و «بریتیش پترولیوم کمپانی» بسا تحمیل قراردادهای امتیازی جدید نفت، انتقال مراکز پالایش نفت به کشورهای مسرف کننده، سدی در تبدیل کشورهای نفتخیز به صادرکننده نفت خام و بالاخره کاهش پی در پی قیمت‌های نفت، یکی پس از دیگری ضربات مهملی به منافع کشورهای نفتخیز وارد آوردند.

مثلا تنها در دو نوبت، در فاصله‌های ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ انحصارات امپریالیستی نفت قیمت‌های نفت را ۲۶ سنت در هر بشکه تقلیل دادند و از جمله قیمت خرید نفت ایران را، که قبل از آن بشکه‌ای ۲۰۴ دلار بود، به ۱۷۸ دلار رسانیدند. خرید نفت به بشکه‌ای ۲۰۴ دلار، خود یک قیمت فوق‌العاده نازل باورنکردنی برای تصاحب و غارت هر بشکه نفت مرکب از (۱۵۷ لیت) بود. لذا کاهش دوگانه، حتی در چنین قیمت‌نازلی، طبیعی است که نمی‌توانست با اعتراض شدید افکار عمومی در کشورهای نفتخیز و اقدام آنها به مقابله با این تجاوز و غارت مواجه نگردد.

تحولات جهانی در فاصله سالهای پس از شکست نهضت ملی شدن نفت، باریکتر زمینه مساعدی را برای تشدید مبارزات ضد امپریالیسم ملل علیه غارت‌دول و انحصارات امپریالیستی فراهم آورده بود. ترمیم سریع خرابیهای جنگ در کشورهای سوسیالیستی و رونق چشمگیری پیشرفت اقتصادی آنان بطوریکه کشورهای سوسیالیستی در همان دهه ۱۹۶۰-۱۹۵۰ به اعطای کمک‌های وسیع اقتصادی و فنی به کشورهای در حال رشد پرداختند - پیروزی انقلاب فاضری در مصر و سپس سقوط رژیم فیصل - نوری سعید با انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ - برهبری ع. الکریم قاسم و بالاخره پیروزی انقلاب کوبا در سال ۱۳۳۹ و نظایر این تحولات شرایط مساعدی را جهت ابراز مخالفت از جانب کشورهای نفتخیز در حال رشد علیه غارت و سلطه انحصارات امپریالیستی نفت فراهم آورده بود.

### تأسیس «اوپک» در ۱۳۳۹

بر چنین پایهای بود که امکان گردهم‌آمی نمایندگان کشورهای نفتخیز و ضرورت مبارزه مشترک آنها علیه تحمیلات دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی به میان آمد. مبتکر چنین گردهم‌آمی وزیر نفت ونزوئلا بود و اولین کنفرانس اوپک با شرکت اعضاء موسس: ایران، عراق، کسویت، عربستان سعودی، ونزوئلا در پایتخت ۱۳۳۹ در بغداد برگزار شد. کنفرانس بغداد با تصویب اساسنامه سازمان کشورهای صادرکننده نفت «اوپک» (نام اختصاری) معرف حروف اول کلمات انگلیسی نام این سازمان پایه‌گذاری کرد.

پدینسان، برای اول بار در تاریخ سلطه امپریالیسم و انحصارات غارتگر امپریالیستی نفت، که خود را یک‌ه‌تا‌بازار ب‌ان نفت و تسلط بر کشورهای نفتخیز می‌دانستند، سازمانی مخالف میل و رای آنان با بی‌صمه وجود گذاشت.

از آغاز تشکیل «اوپک» تاکنون درست ۲۰ سال از عمر این سازمان می‌گذرد. در این عمر ۲۰ ساله، «اوپک» ضمن آنکه از سازمانی در ابتدا ضعیف و مرکب از پنج کشور، به سازمانی قوی و متشکل از ۱۳ کشور نفتخیز در حال حاضر بدل شده، که بیش از هشتاد درصد ذخایر جهانی نفت در کشورهای سرپایه‌داری را در اختیار دارد و ۹۵ درصد صادرات نفت در جهان متعلق به آنست، بطور عمده چهار دوره مختلف مراحل رشد را در پشت‌سر گذاشته است.

### مرحله اول فعالیت «اوپک»

مرحله اول فعالیت «اوپک» شامل سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۶ می‌گردد. در این دوره مبارزات «اوپک» جنبه دفاعی داشت. «اوپک» بطور عمده با کاهش قیمت‌های نفت مخالفت

می‌کرد و سعی در احیای برخی حقوق می‌نمود، که انحصارات نفتی در قراردادهای امتیازی آنرا بسود خود و بضرر کشور- های نفتخیز تنسیع کرده بودند. مثلا درحالیکه در قراردادهای امتیازی معروف به پنجاه، پنجاه، که قراردادکنکن کسرسیوم در ایران نمونه اصلی آن بود، ذکر شده بود که بهره‌مالکانه نفت یا پرداخت مشخص باید بدون احتساب در مالیات در آمد به کشورهای نفتخیز پرداخت شود، انحصارات نفتی این سهم را که به ۱۲۵ درصد قیمت نفت صادراتی بالغ می‌شد، از مالیات بر درآمد کشورهای نفتخیز کسر می‌گذاشتند. همچنین طبق این قراردادهای امتیازی، از کشورهای نفتخیز ۲ درصد بعنوان هزینه فروش نفت در بازار جهانی، بسود انحصارات کسر گذاشته می‌شد، حال آنکه این کشورهای، بسود از خروج نفت از بندرهایشان، کسرتین دخالتی در فروش نفت نداشتند.

### قطعنامه‌های کنفرانس چهارم «اوپک»

«اوپک» در چهارمین کنفرانس خود در سال ۱۳۴۱ موفق به گذراندن سه قطعنامه مهم شد، که طبق یکی از قطعنامه‌ها، افزایش قیمت‌های نفت به سطح قبل از کاهش ۱۳۳۸ طلب می‌گردد. در قطعنامه دوم، پرداخت قانونی بهره مالکانه، بدون احتساب در مالیات بر درآمد، و در قطعنامه سوم، لغو دریافت هزینه فروش از کشورهای نفتخیز طلب می‌گردد. در این اولیز دور مبارزه بین «اوپک» و انحصارات نفتی، گرچه «اوپک» در زمینه بازگشت قیمت‌های نفت توفیقی حاصل نکرد، لیکن موفق شد که در زمینه پرداخت بهره مالکانه و لغو دریافت هزینه فروش، انحصارات نفتی را به عقب‌نشینی وادار کند.

### کابینه خائن منصور و قطعنامه‌های «اوپک»

جالب این بود که، در حالیکه دولت ایران از اجرای قطعنامه یاد شده سود فراوان می‌برد، معدک کابینه حسعلی منصور به خیانت علنی دراین کار تن درداد و برخلاف قطعنامه- های «اوپک»، کابینه منصور به انعقاد اولین قرارداد الحاقی با کسرسیوم تن در داد، که زیان عظیمی از جانب آن متوجه منافع ایران می‌گردد، اعضاء دیگر «اوپک» آتموقع به چنین خیانتی تن ندادند.

### بزرگترین موفقیت «اوپک» در مرحله اول فعالیت آن

«اوپک» در دوران اولیه فعالیت خود در زمینه افزایش قیمت نفت به کسب موفقیتی ناآل شد. اما پیدایش این سازمان باعث شد که از همان زمان تلاشهای مکرر انحصارات امپریالیستی نفت برای کاهش قیمت با ناکامی روبرو شود، و این خود موفقیت عظیمی برای «اوپک» در دوران اولیه فعالیت بود. چنانکه خواهیم دید، در درانهایی بعدی، فعالیت «اوپک»، از عوامل مهم افزایش قیمت‌های نفت بود، که از کنفرانس تهران در سال ۱۳۴۹ آغاز شد و تاکنون روند آن ادامه دارد.

### دوره دوم فعالیت «اوپک»

دوره دوم فعالیت «اوپک» را سالهای ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۲ تشکیل میدهد. این دوران با اتخاذ رویه تهاجمی از جانب «اوپک» همراه بود. پس از آنکه اعضاء جدیدی از جمله قطر، اندونزی، الجزایر، لیبی و نیجریه در اواسط سالهای ۲۰-۱۹۶۰ به «اوپک» پیوستند، مواضع این سازمان قوی‌تر گردید. تحولات مرفی در اندونزی، پیروزی انقلاب در الجزایر، استقرار رژیم مرفی در سوریه در اواسط دهه ۲۰-۱۹۶۰ همه حوادثی بودند که مواضع انحصارات نفتی را یکی پس از دیگری در منطقه و جهان تضعیف می‌ساختند. امپریالیسم و انحصارات نفتی در برابر این وضع، بویژه آنکه جنبش عظیمی برای لغو قراردادهای امتیازی نفت و ملی کردن صنایع و لوله‌های عبور نفت آغاز شده بود، به توطئه جنگ اسرائیل علیه کشور- های عربی پرداختند. لیکن نتیجه این جنگ، بجای آنکه کشورهای نفتخیز را از مبارزه بازدارد، ملل و دول کشورهای نفتخیز را به مبارزه جدی‌تری جهت کسب حقوق ملی درنفت سوق داد. پشتیبانی دول سوسیالیستی از این مبارزه و حمایت موثر و فعال از نهضت‌های انقلابی با درنظر گرفتن تقویت بیشتر مواضع این کشورها درصحنه جهان، شرایط مساعدتری برای مبارزات «اوپک» و پیروزیهای جدی‌تر آن بوجود آورد.

### پیروزی‌های «اوپک» در دوران دوم فعالیت آن

بر همین اساس بود، که «اوپک» در دوره دوم فعالیت خود، علیرغم کارشکنی دول مرتجع در این سازمان، نظیر رژیم تنکین محمدرضا و دولت سعودی که توسط افسراد نظیر شیخ طریفی، روش آشکاری بسود انحصارات نفتی در پیش گرفته بود، توانست به پیروزیهای مهمی ناآل آید. فراهم آوردن زمینه افزایش قیمت‌های نفت در کنفرانس تهران و سپس تریپولی (لیبی) را می‌توان نتیجه مستقیم تشکیل کشور- های نفتخیز در «اوپک» دانست، بویژه آنکه سقوط رژیم سلطنتی در لیبی در ۱۳۴۸ و استقرار رژیم ضد امپریالیستی در این کشور و همچنین لغو امتیاز نفت در پرو توسط دولت ضد

امپریالیستی این کشور، مواضع کشورهای نفتخیز را بیش از پیش تقویت کرد. جنگ یافرا نیز بزیان انحصارات نفتی و تمرکز قدرت در دست دولت مرکزی نیجریه پایان یافت، که پیش از پیش مواضع دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی را در کشورهای نفتخیز ضعیف کرد.

### نتایج ماجراجویی جدید دول امپریالیستی بقصد تضعیف «اوپک»

در برابر پیروزیهای جدید «اوپک» و جنبش‌های وسیع ملی شدن نفت و لغو پی در پی قراردادهای امتیازی نفت در این دوران و آغاز روند افزایش قیمت‌های نفت، دول امپریالیستی و انحصارات نفتی به ماجراجویی جدیدی دست زدند. این بار آنان درصدد برآمدند که با دست‌اندازی مجدد اسرائیل به اراضی کشورهای عربی در سوریه و اردن، تناسب قوا را بسود خود و بزیان جنبش ملی آزادی‌بخش پلسورکلی و کشورهای نفتخیز در حال رشد بالاخص تغییر دهند. لیکن جنگ ۱۳۵۲، نفعظ چنین نتایجی را بیار نیآورد، بلکه به افزایش چشمی قیمت‌های نفت از بشکه‌ای نزدیک به ۴ دلار به ۱۲ دلار منجر گردید. متناسب با این افزایش، درآمد کشورهای نفتخیز از نفت به مقدار زیاد و غیرقابل مقایسه با قبل بالا رفت. از این گذشته کشورهای چسبندی و منجمله جمهوری عراق به ملی کردن صنایع نفت خود و لغو شرکتی عظیم امپریالیستی، نظیر عراق پترولیوم کمپانی اقدام کردند، که متناسب قوا را در خلیج فارس بسود کلیه کشورهای نفتخیز تغییر داد.

### دوران سوم فعالیت «اوپک»

با این تحولات، دوران سوم فعالیت «اوپک»، آغاز شد که، چون هم‌زمان با بحران انرژی در جهان سرمایه‌داری بود، کشورهای نفتخیز را درموقعیت بسیار مساعدی از نظر تأمین منافع واقعی خود در نفت قرار داد.

پدینسان مبارزات مشترک کشورهای نفتخیز در «اوپک» تابع بسیار مطلوب و مهمی از نظر تأمین منافع ملی این کشورها بیار آورد. در سومین مرحله از فعالیت «اوپک»، پس از افزایش چشمی قیمت‌های نفت در سال ۱۳۵۲، تا قبل از پیروزی انقلاب ایران در بهمن ۱۳۵۷، بسر پایه پیروزیهای بدست آمده، کشورهای عضو «اوپک» قادر بودند که ضربات جدی به مواضع امپریالیسم و انحصارات عمده نفتی وارد سازند، عملا به عمر امپریالیسم نفتی در این کشورها خاتمه دهند. لیکن وجود رژیمهای دست‌نشانده نظیر رژیم محمدرضا در کشور ما و رژیم عربستان سعودی مانع از استفاده از امکانات موجود بین‌المللی و داخلی در کشورهای نفتخیز به منظور رهائی کامل از سلطه امپریالیسم گردید.

### رژیم ننگین شاه و سومین دوره از فعالیت «اوپک»

تسلط رژیمهای دست‌نشانده نظیر رژیم تنکین شاه در ایران موجب شد که افزایش درآمد‌های نفت بسود دول امپریالیستی و تشدید سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی آنها بر این کشورها بکار رود. در این دوران بود که بدست رژیمهای دست‌نشانده قراردادهای امتیازی کهنه با قراردادهای تازه‌ای، که تماما بسود امپریالیستی و انحصارات نفتی بود، عوض گردید. قرارداد مقدمه بین شاه ملعون و کسرسیوم بین‌المللی نفت در ۹ مرداد ۱۳۵۲، بنام قرارداد «فروش نفت» چنین قراردادی بود. طبق این قرارداد، تمام ذخایر نفت ایران بدست ۲۰ سال به کسرسیوم پیش‌فروش گردید و تحت‌عنوان ملی کردن «واقعی»، تنه ذخایر نفت ایران به حراج دول امپریالیستی و غارتگران نفتی درآمد.

### علل بحران «اوپک» در سومین دوره موجودیت آن

پدینسان در سومین دوره فعالیت خود، «اوپک» نظر به کارشکنی دول مرتجع دست‌نشانده، در کشورهای نفتخیز، نظیر ایران و عربستان سعودی، علیرغم امکانات عظیمی که این سازمان برای ضربه وارد ساختن به مواضع امپریالیسم و انحصارات نفتی داشت، به کسب موفقیت متناسب با امکانات جدید ناآل نیامد. در این دوره فعالیت خرابکارانه دول دست‌نشانده، عملا فعالیت «اوپک» را وارد مرحله بحران و رکود ساخت. دول امپریالیستی، انحصارات نفتی، با استفاده از این وضع، توانستند اثرات افزایش قابل ملاحظه قیمت‌های نفت را خنثی کنند. آنها با تمحید سیاست‌های تجاوزی و توری به کشورهای نفتخیز، درآمد‌های نفتی اکثر این کشورها را بسود خود تصاحب کردند.

### رژیم شاه ملعون، اهرم عمده رکود در فعالیت «اوپک»

نتیوان پنهان داشت که بویژه رژیم کودتائی شاه‌ملعون در ایران، در اواخر عمر تنکین خود، به اهرم عمده درحفظ مواضع دول امپریالیستی و انحصارات نفتی در کشورهای

نفتخیز و عدم موفقیت «اوپک» در مبارزات خود بدل گردید. برای خروج «اوپک» از بحران، ضرورت داشت که تحول اساسی در وضع یکی از دو کشوری که عمده‌ترین ذخایر و تولیدات نفت را در اختیار داشتند، صورت گیرد.

### تأثیر شگرف پیروزی انقلاب ایران بر تحکیم موقعیت «اوپک»

پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی درمیان ما ایران، ن فقط به سلطه جنبش امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و رژیم دست‌نشانده آن بر ایران پایان داد، بلکه تغییرات عظیمی بسود استقرار تناسب جدید قوا بنفع همه نیروهای ضد امپریالیستی و آزادی‌بخش، از جمله بسود مبارزات کشور- های نفتخیز عضو «اوپک» ایجاد کرد. با پیروزی انقلاب ایران، «اوپک» وارد چهارمین دوره از فعالیت خود، یعنی دورانی عمده است که تناسب نیروها آشکارا به نفع پیروزی مبارزات ملل کشورهای نفتخیز در حال رشد تغییر یافته و انهدام کامل سلطه امپریالیسم و کارتل بین‌المللی نفت بسر کشورهای نفتخیز در حال رشد، می‌تواند از قوم نفعل در آید.

### نتایج تغییر تناسب نیروها بسود «اوپک» و بزبان امپریالیسم نفتی

امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، و انحصارات عمده عضو کارتل بین‌المللی نفت (هفت خواهران)، که از نظر قدرت سومین نیرو، پس از آمریکا و بازار مشترک اروپا، را در جهان سرمایه‌داری تشکیل می‌دهند، بدستی به نتایج تغییرات عظیمی که پیروزی انقلاب ایران در تناسب نیروها در سطح جهانی بوجود آورده، واقفند. آنها بدستی می‌دانند که یکی از این نتایج اقول سلطه آنان بر کشورهای نفتخیز، از دست دادن امتیازات نفتی و کوتاهی دست آنان از غارت و استثمار صنایع و صنایع نفت کشورهای نفتخیز است. این چنین وضعی طبیعی است که امپریالیسم را از لحاظ استراتژیک درموضع ضعیف قرار می‌دهد و به نزدیکی آن به محو و زوال سرعت می‌بخشد، که طبیعتا برای جهان غارت و استثمار قابل تحمل نیست و آن را به تلاشهای مذبوحانه و ماجراجویانه می‌کشاند.

### جنگ تجاوزی صدام علیه ایران - ماجراجویی به زیان «اوپک»

براه انداختن جنگ صدام خان علیه کشور ما، یکی از همین تلاشهای مذبوحانه است که امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و انحصارات عمده نفت، آن را به قصد سرکوب انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از تغییر تناسب نیروها در صحنه جهانی و در مبارزه کشورهای نفتخیز علیه خویش برآه انداختند. هدف این جنگ تجاوزکارانه در عین حال تلاش ساختن سازمان کشورهای صادرکننده نفت بود، که چه سوابق مبارزات آن و چه یکبار- هائی که در آینده بر پایه تقویت بیشتر مواضع کشورهای نفتخیز براساس تثبیت پیروزیهای انقلاب ایران خواهد داشت، به معنی واقعی کلمه مو بر تن امپریالیستها و کارتل بین‌المللی نفت راست می‌کند.

### امپریالیستها و کارتل نفت‌دیگر تعیین‌کننده سرنوشت ملل کشورهای نفتخیز نیستند

ما هم‌اکنون شاهد آن هستیم که، نه فقط ماجراجویی امپریالیسم آمریکا و انحصارات امپریالیستی نفت در تحریک صدام خان به جنگ علیه کشور ما با شکست کامل و مقتضانه روبرو می‌شود، بلکه تلاش آنها به منظور انهدام «اوپک» و متفرق ساختن کشورهای نفتخیز نیز بسا ناکامی مواجه بوده است. کنفرانس کنونی «اوپک» در پالی (اندونزی) معرف این واقعیت است که امپریالیستها و انحصارات نفتی آنان دیگر تعیین‌کننده سرنوشت ملتها در کشورهای نفتخیز نیستند. اکنون جبهه مبارزات ضد امپریالیستی ملل، که از کشورهای سوسیالیستی گرفته تا جنبش کارگری در کشورهای سرمایه‌داری و جنبش آزادی‌بخش در کشورهای «جهان سوم» را دربر می‌گیرد، تعیین‌کننده سرنوشت مبارزات ملت- هاست. در این شرایط ولو امپریالیستها و عمال آنها در کشورهای نفتخیز دست به اغلال‌های دیگری بزنند، از هم‌اکنون می‌توان گفت که جز ناکامی و شکست نتیجه دیگری برداشت نخواهند کرد.

### «اوپک» در دهه سوم عمر خود موفق‌تر خواهد بود

«اوپک» در جریان ۲۰ سال گذشته عمر خود، با وجود مشکلات زیاد، متشاه پیروزیهای بزرگی برای ملل کشور- های نفتخیز در حال رشد بوده است. در دهه سوم عمر خود این سازمان محققا خواهد توانست ملل کشورهای نفتخیز را در کسب پیروزیهای بسیار مهمتر یاری رساند.

حزب توده ایران، با آگاهی علمی به سرنوشت مبارزات ضد امپریالیستی، از ابتداک پیدایش «اوپک» از موجودیت و فعالیت این سازمان جانب‌داری کرده است. اکنون نیز که پیش‌بینی‌های حزب ما در مورد نقش مهم این سازمان به تحقق پیوسته، حزب ما همچنان مدافع مبارزات آتی «اوپک» در راه رهائی کامل ملل کشورهای نفتخیز در حال رشد از تسلط امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی خواهد بود.

## برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود



# پاکسازی و نوسازی دستگاه دولتی

پاکسازی و نوسازی دستگاه دولتی بدیده ای خاص انقلابی مردمی است. انقلاب مردمی، چنانکه نام آن بیداست، انقلابی است که به دنبال آن حاکمیت مردم (نه طبقه و یا قشر استعمارگر تازه ای) برقرار می گردد. انقلاب اگر مردمی نباشد، طمع و یا قشر استعمارگر تازه ای که حکومت می رسد، نثار مبرمی به پاکسازی ریشه ای و سادی در دستگاه دولتی سابق احساس نمی کند و می کوشد تا همان دستگاه را بارها تغییرات کوچک و سطحی و جاه طلبانه مبرها و افراد به خدمت خود درآورد. دستگاه دولتی قدیم نیز به آسانی به فرمانبرداری از حاکمیت جدید در می دهد، زیرا در نفس آن علی الاصول تغییری کلی پدید نمی آید و همان وظیفه سابق خود را به خاطر استعمارگران و کارگزاران جدیدشان انجام می دهد.

اما در یک انقلاب مردمی، که انقلاب شکوهمند سپن ماه ایران نیز از آن جمله است، حاکمیت مردم بدون ایجاد تحول ریشه ای در دستگاه دولتی نمی تواند تحقق یابد. پاکسازی دستگاه دولتی باستانی به این نیاز انقلاب پاسخ می داد و از فردای انقلاب در سطح گسترده آغاز می شد. اما مقاومت لیبرالها، یعنی هواداران نگاهداری نظام فاشیستی سرمایه داری و بزرگ مالکی، که انقلاب را به معنای ادامه همان نظام اجتماعی - اقتصادی سابق منهای روستای شاهنشاهی آن می دانستند، پاکسازی را به تعویق انداخت. روش لیبرالها از دشمنی آشفتنی با پذیر آن با ماهیت مردمی انقلاب سرچشمه می گرفت. حوادثی که بی دریغ روی داد (دولت حزب جمهوری خلق مسلمان، افشای چهره های خباثتکار به وسیله دانشجویان مسلمان سیرو خط امام، دسایش ضد انقلاب در ارتش، خیانت های امیران نظام و نژیه و مقدم سرانگدای و درباردار علوی و نظایر آن) ثابت کرد که دستگاه دولتی قادر به انجام تعهدات و وظایف خود در برابر مستضعفان نیست، لذا مسئله پاکسازی، علی رغم کارکنانی لیبرالها، در دستور روز قرار گرفت. فرصت زیادی از دست رفته بود و بایستی جبران مافات با سرعت به عمل می آمد.

در این اوضاع و احوال، پاکسازی بدون طرح و تدارک و پیش بینی های لازم آغاز شد، که تاگزیر یا کمیودها و کاستی ها و حتی برخی از جنبه های زیان آور همراه بود. با وجود این، پاکسازی نقش مثبت خود را خصوص در مورد نیروهای نظامی ایفا کرد و از احتمال بروز طوفانها تا حدود زیادی کاست. اینک خطری که از این رهگذر نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران را تهدید می کرد، تا حدود زیادی مرتفع شده و هنگام آن رسیده است که بر روند پاکسازی و نوسازی از دیدگاه اقداماتی که انجام گرفته و در آینده باید انجام بگیرد، نظری بیکنیم.

علاوه بر این تقریباً همه وابستگان به رژیم سابق با سوء استفاده از مقام و موقعیت تعلق خویش، صاحب ثروت های عظیم و مرتکب جنایات سیاسی شده اند. این علاوه بر پاکسازی، باید به دلیل جراثیم پنهان به مدت مجازات گردند. در روزهای اوج جیش قبل از پیروزی - خواست مردم برای پیگرد و مجازات این گروه آنقدر زیاد دانشدار بسود که حتی شایور ختیار نیز در آخرین روزهای حکومت، برای فرسب مردم وعده آن را می داد.

تلاش برای "جذب" وابستگان رژیم سابق به انقلاب کوشش عتی است، چنانکه امیدواری به تجدید تربیت آنان نیز در عین حال انتساب وابستگی به کارمندان دولتی، در خارج از ضوابط سیاسی، سلا برحسب میزان حقوق و مزایا و نظایر آن و سلب حیثیت سیاسی از افراد بدون دلیل موجه، گاهی نابخشودنی است که در یک نظام انقلابی هرگز جایز نیست.

ناید این طور تصور کرد که پاکسازی دستگاه دولتی تنها با بریدن دست این طغلیها از شافل حساس پایان خواهد یافت. نمی توان امیدوار بود که با برداشتن سر هم، که کار نسبتاً آسانی است، انقلاب بتواند بدنه آنرا بدون هیچ تغییری به خدمت حاکمیت نوین درآورد. پاکسازی این بدنه باید موازی با نوسازی آن انجام گیرد.

## نوسازی دستگاه دولتی کاری به مراتب دشوارتر از پاکسازی آن است

نو سازی، روند بیجیده ایجاد سازمانها و نهادهای نوین دولتی و تربیت مجدد کارمندان دولتی است، به نحوی که بتوانند خدمتگزار حاکمیت نوین انقلابی باشند. هدف نو سازی ایجاد یک دستگاه دولتی کارا، با حداقل هزینه ممکن است. نخست باید طرح این نو سازی را با دقت و مطالعه کامل تدوین کرد، و چون باید این طرح گامیز در سه مرحله از دستگاه دولتی است، تاگزیر در این مرحله نیز عده ای از کارمندان سابق باید از کار گمار گداخته شوند. بین این دسته از کارمندان، که بدلیل کمبختیاداری از کار برکنار می شوند، و کسانی که در مرحله اول به علل سیاسی پاکسازی می شوند، فرق اصلی وجود دارد. برخورد با آنان نیز باید برخوردی به کلی متفاوت باشد. مسئله عمده در این مرحله طرز برخورد با متخصصان است.

## با متخصصان چه باید کرد؟

بدون یافتن پاسخ صحیح به این سوال، نه کاهش هزینه دستگاه دولتی و نه کارایی آنرا میتوان تامین کرد. کاری که یک متخصص (مثلاً متخصص کامپیوتر) می تواند انجام دهد، با کار ده نفر غیر متخصص برابر است. همچنین در تمام موارد دیگر، دستگاه دولتی را بدون

اصلی رعایت مافع جامعه نوین و خواست های پیشرو و رفی کسور به طور کلی باشد، نه نظرات و خصوصیات فردی و گروهی، که ناچار به حق کشی ها و بی عدالتی ها و عواقب اجتماعی و سیاسی سوء دیگر منجر خواهد شد. پاکسازی باید منحصر شامل وابستگان به رژیم گذشته و دشمنان انقلاب مردمی باشد. ضوابط این وابستگی کدام است؟ چه چیز نشانه وابستگی به رژیم گذشته است؟

به عقیده ما این وابستگی را قبل از هر چیزی باید برحسب همان معیارهای زمان گذشته سنجید. رژیم شاه طعون تنها بر آزارهای وفاداری بی چون و چرای افراد، آنان را در راس مقامات حساس دولتی می گمارد. بدون تصویب ساواک هیچ کس نمی توانست در سلسله مراتب اداری از پله معینی با فراتر نهد. کسانی که از این پله با فراتر نهاده اند، وابستگان رژیمند، یعنی سرنوشتشان با سرنوشت رژیم گره خورده است.

از سوی دیگر، ادارات و سازمان های بودند که تمام کارکنان آنها را وابستگان می توانست تشکیل می دادند. برای مثال می توان از ساواک نام برد، که کارکنان آن را تا یک سوره دراعداد وابستگان به رژیم سابق محسوب داشت. برخی دیگر از اساه طعون نیز کامیاب مانند ساواک منحصر اعصاب خود را از میان سربسردگان به رژیم انتخاب می کردند. در این گونه موارد، خود اداره یا موسسه باید مورد پاکسازی قرار گیرد، و با عبارت دیگر، منحل گردد.

علاوه بر این تقریباً همه وابستگان به رژیم سابق با سوء استفاده از مقام و موقعیت تعلق خویش، صاحب ثروت های عظیم و مرتکب جنایات سیاسی شده اند. این علاوه بر پاکسازی، باید به دلیل جراثیم پنهان به مدت مجازات گردند. در روزهای اوج جیش قبل از پیروزی - خواست مردم برای پیگرد و مجازات این گروه آنقدر زیاد دانشدار بسود که حتی شایور ختیار نیز در آخرین روزهای حکومت، برای فرسب مردم وعده آن را می داد.

تلاش برای "جذب" وابستگان رژیم سابق به انقلاب کوشش عتی است، چنانکه امیدواری به تجدید تربیت آنان نیز در عین حال انتساب وابستگی به کارمندان دولتی، در خارج از ضوابط سیاسی، سلا برحسب میزان حقوق و مزایا و نظایر آن و سلب حیثیت سیاسی از افراد بدون دلیل موجه، گاهی نابخشودنی است که در یک نظام انقلابی هرگز جایز نیست.

## بر خورد ارگانهای انقلابی با متخصصان و روشنفکران چگونه باید باشد؟

آنچه حکومت انقلابی از روشنفکران و متخصصان، که وابستگی مستقیم به رژیم گذشته نداشتند، باید بخواهد و آن را ملاک و ضابطه برخورد خود با آنان قرار دهد، انجام شرافتمندانه وظایف محوله به آنان است نه طرز فکر و عقیده آنان که جز یک اقلیت کوچک، نمی تواند مهر و نشان خود را بر روی متخصصان و روشنفکران این وظیفه حاکمیت نوین انقلابی است که در اثر کوشش مستمر توضیحی و تبلیغاتی خود و نشان دادن حداکثر صبر، حوصله و خودداری از توسل به شیوه های قهرآمیز، عدم موافقت و حتی مخالفت روشنفکران و متخصصان بازمانده از رژیم گذشته را به موافقت با نظام نوین انقلابی و پشتیبانی از آن تبدیل کند. آن متخصص (فردی که در حه ریشه ای، از جمله آموزش و پرورش) که با نظام نوین انقلابی مخالفت می کند (هر چند موقت هم نیست) و وظایف خود را شرافتمندانه انجام می دهد، عنصر مفیدی است که از او، تا زمانی که انقلاب نتوانسته است روشنفکران موافق خود را تربیت کند، باید استفاده کرد، زیرا در غیر این صورت به گفته آیت الله منتظری: "ولو آدم خوش جنسی هم باشد، ضد انقلاب از وجودش سوء استفاده می کند." (از سخنان آیت الله منتظری درباره تصفیه شدگان در نماز جمعه قم، نقل از روزنامه ها، اول شهریور ۵۹).

بر خورد صحیح با متخصصان و روشنفکران در نو سازی دستگاه دولتی، با تمام اهمیت و ظرافت آن، کار چندان دشواری نیست. دشواری کار در نو سازی دستگاه دولتی، هنگامی با تمام ابعاد آن ظاهر می شود که بخواهیم هدف اصلی را، که ایجاد یک دستگاه کارای دولتی با حداقل هزینه ممکن است، پیاده کنیم. برای تحقق این هدف چه سازمان هایی را باید منحل کرد؟ چه سازمان های تازه ای باید بوجود آورد؟ چه کسی یا چه کسانی را باید در این سازمانها به کار گماشت؟ با بقیه کارمندان زائد چه باید کرد؟

در دستگاه دولتی ایران دهها هزار کارمند وجود دارد که کار مفید روزانه آنها بطور متوسط از دو سه ساعت بیشتر نیست. آیا باید آنان را برای این که "نان بخورند" در دستگاه دولتی نگاه داشت؟ آیا باز خرید و یا باز نشت کردن کارمندان جوانی که هنوز سنش به چهل - چهل و پنج سال نرسیده و "خانه نشین" کردن او راه درست و منطقی حل این مسئله است؟ آیا این تصمیم بیشتر نسبه به تصمیم ناخدائی نیست که در دریای طوفانی بازارهای گران قیمت خود را به دریا می ریزد، به امید آن که خود گشتی را نجات دهد؟

## چه باید کرد؟

به عقیده ما، در کار مهمی چون نو سازی دستگاه دولتی، باید مافع جامعه مقدم بر مافع فرد در نظر گرفته شود، به عبارت دیگر، افراد طبق نیازهای سازمانی در دستگاه دولتی نگاه داشته شوند نه برای ارتزاق، زیرا یا برکنار کردن افراد زائد در نهادهای سازمانی و تغذیل هزینه دستگاه دولتی می توان اعتبارات بودجه دولتی را برای سرمایه گذاری در رسته های تولیدی، ایجاد کار و بالا بردن سطح زندگی توده های مردم به کار برد. اما در عین حال یک جامعه انقلابی نمی تواند دهها هزار جوان سی و پنج - چهل ساله (و اغلب تحصیل کرده) را به بیگاری و یا مفتخروانی که چند هزار تومان حقوق بازنشستگی (یا میلیتی با خرید) می گیرند و بر سه می زنند، تبدیل کند. باید این اشخاص را به کار مفید اجتماعی جلب کرد. باید شرایطی بوجود آورد که آنان بتوانند، برخلاف گذشته، با کار مفید به خیر جامعه، در عین حال زندگی بهتری نیز برای خود تهیه کنند. باید به این گونه کارمندان تخصصی های تازه آموخت و آنها را در رسته های تولیدی به کار گماشت.

آیت الله منتظری، در همان خطبه خودشان به این جنبه مسئله نیز توجه کرده و به درستی گفته اند: "تصفیه ادارات کار حسابی است... اما شما که تصفیه می کنید، حساب این را کرده اید که... باید برای اینها کار هم درست کرد؟ همین طور که آنها را بیرون بکنیم، کار درست نمی شود. بایستی کارهای کشاورزی، دامداری، یا در کارخانه ها، در جاهای

دیگر، خلاصه دولت یک کاری بکنند که اینها جذب بازار کار شوند... س تصفیه باید در مقابلش بازار کاری هم باشد... البته تصفیه باید باشد، اما این هم باید دنبالش باشد که یک کاری در اختیار آنها بگذارند...

جامعه انقلابی نه تنها به دلایل اجتماعی و اقتصادی، بلکه همچنین به دلایل سیاسی نمی تواند این فوج بیگاران را تحمل کند. دهها هزار جوانی که صبح تا شب بیگار باشند و از محیط نیز غالباً دل بری داشته باشند، بهترین ناظران جرسوم صد انقلابند. البته تربیت و تبدیل کردن کارمندان سابق دولت به انسان های زحمتکشی که به قدر شمه کارشان از جامعه توقع داشته باشند، کار آسانی نیست. اما جامعه انقلابی جز این راه دیگری ندارد. باید این روند دشوار را با پیشگیری دنبال کرد.

یک نظام مردمی در عین حال که مافع جامعه را بر مافع فرد مقدم می شمارد، هرگز فرد را نیز در حل دشواری های زندگی اش تنها نمی گذارد. این سربس جوامع منطبق سرمایه داری است که حکومت هایسان بر تامین کار و آسایش افراد جامعه مسئولیتی بر عهده خویش قائل نیستند. حکومتی که زاعیده یک انقلاب مردمی است، این مسئولیت خویش را هرگز فراموش نمی کند. می توان مبالغه عظیمی را که از کاهش هزینه دستگاه دولتی به دست می آید، در ایجاد موسسات تولیدی و تعاونی و گسترش خدمات به کار انداخت و کارمندان زائد دولتی را پس از آموختن تخصص های تازه در دوره های کوتاه مدت (ضمن اشتغال به کار و در صورت آموختن تخصص های بسجده تر با پرداخت حقوق طی مدت تحصیل) در آن رسته ها به کار گمارد. بخش دولتی و تعاونی تدارک و توزیع کالا های ضروری یکی از مهم ترین میدانها برای جلب این نیروهاست.

نو سازی دستگاه دولتی س از یک انقلاب مردمی از نو سازی کل جامعه در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جدا نیست. در یک دولت مردمی حای برای بیگاری و بیگاریان نیست. مدانسان که متخواری و مفتخوران نیز نمی توانند وجود داشته باشند. در جامعه ای که زاعیده انقلاب مردمی است، با زوها و مفضاها باید به حرکت بمانند و استعدادها نباید به هدر بروند. کارمندان زائد دستگاه دولتی نیز از این حکم مستثنی نیستند. اگر در دستگاه دولتی راییشان کاری وجود ندارد، باید در رسته های دیگر وجود داشته باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق "اشتغال به کار" را برای تمام مردم ایران تضمین کرده است. در اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می خوانیم: "... دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید."

## دو مرحله در سازندگی دستگاه دولتی

از آن چه گفتیم نتیجه می گیریم که: سازندگی دستگاه دولتی س از یک انقلاب مردمی از دو مرحله مشخص می گذرد:

- ۱- پاکسازی
  - ۲- نو سازی
- هر دو این مراحل باید با توجه به اولویت مافع جامعه، در عین رعایت حقوق فرد با قاطعیت و عدالت انجام گیرد. قاطعیت در جهت حفظ مافع اجتماعی و عدالت در جهت رعایت حقوق فردی، باید با قاطعیت و وابستگی به رژیم سابق را پاکسازی کرد، در عین حال نمی توان به هر کس بدون رعایت عدالت بر حسب وابستگی رد. سر هیچ کس پوشیده نیست که کاری مدنی مهمی را نمی توان بدون ضابطه، قانون و مقررات انجام داد و اگر سلیقه های حسمی و گروهی در این مورد ملاک تضاد قرار گیرد، حنان که در برخی از موارد قرار گرفته است، چه عواقب وخیمی می تواند به بار بیاورد، که کم ترس آن، به گفته آیت الله منتظری، سوء استفاده انقلاب از وجود تصفیه شدگان است.
- در مرحله نو سازی دستگاه دولتی نیز باید با همین قاطعیت و عدالت عمل کرد. نمی توان به صرف این فکر که مردم باید "نان بخورند"، کار عظیم کاهش هزینه دستگاه دولتی را، که در سرنوشت تمام جامعه نقش مهمی دارد، عقیم گذاشت، در عقبه در صفحه ۶

های کارگری را به هیچ وجه نباید دست کم گرفت. کارگران و زحمتکشان خود با آگاهی کامل با چنین تحریکاتی مبارزه می کنند. دولت انقلاب و مسئولین نیز باید با حسن نیت و کوشش واقعی برای حل مشکلات به مسائل کارگران و کارکنان در کارخانه ها و کارگاهها برخورد کنند. تنها با این روش می توان در جهتی که به سود انقلاب و تقویت مبانی جمهوری اسلامی است، به حل مسائل اجتماعی، که مسائل کارگران و کارمندان، از اهم آنهاست، نائل آمد.

### ضرورت تشکل سندیکائی و شورائی

در خاتمه نمی توان از تکرار تذکر و تائید طرح کاملاً درست ضرورت تشکل سندیکائی و شورائی کارگران و زحمتکشان در کارخانه ها و کارگاهها از جانب کارکنان مبارز دخیانیت، در هشدارباش آنها، صرف نظر کرد. کارکنان مبارز دخیانیت در بیانیه خود، به همکاران خویش، اعم از کارگر و کارمند، به درستی چنین توصیه می کنند:

"شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر به ما حکم می کند که با تشکل سندیکائی و شورائی نقاضاهایمان را از طریق نهادهای قانونی و انقلابی با مقامات مسئول در میان گذاریم. این تشکل به ما امکان می دهد که در تصمیم گیری های خود مصالح انقلاب و جمیع کارکنان را در نظر داشته باشیم. همچنین تشکل سندیکائی و شورائی، مانع از نفوذ عناصر ضد انقلاب و ماجراجو در اخذ تصمیمات و اجرای آنها می گردد."

مسئله تشکل کارگر و زحمتکشان متوجه اهمیت این توصیه ها هستند و برای تحقق تشکل سندیکائی و شورائی خود، که یک ضرورت قطعی در مرحله کنونی انقلاب بزرگ مردم ایران است سعی و مجاهدت به عمل می آورند، این سعی و مجاهدت ارزنده است، اما کافی نیست. ضرور است که ارگان های انقلابی، بویژه وزارت کار و امور اجتماعی نیز عمیقاً به اهمیت تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان واقف باشند.

آزادی تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان موجب می گردد که تشکل پنج میلیون کارگر و زحمتکشان بتواند انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی قرار گیرد. این تشکل قادر است انقلاب را از توطئه های گوناگون امپریالیسم تجاوزگر آمریکا و عوامل وابسته داخلی آن از هر قماش مصون دارد. باید راه چنین تشکلی را از نظر قانونی و همچنین حمایت دولت انقلابی از آن، از هر جهت هموار کرد.

با چنین مفاهیمی از جانب دولت و ارگان های انقلابی نسبت به تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان مسلماً بیروزی قطع می شود. نهایی انقلاب تأمین خواهد بود، زیرا دست توانای تشکل سندیکائی و شورائی زحمتکشان قادر است هر مانعی را از سر راه انقلاب بردارد و بویژه ضد انقلاب داخلی و حامیان امپریالیستی آن را به خاک بمالد.

ثانیاً، "همچنین مسئولین امور باید متوجه باشند که بیش از پیش در فکر برآوردن خواسته های قانونی و مشروع کارکنان این کارخانه باشند و بهانه به دست عناصر ضد انقلاب و توطئه گر ندهند."

### برخورد درست کارگران و کارمندان آگاه دخیانیت

تردید نیست که باید با توصیه کارگران و کارمندان آگاه دخیانیت، که به همکاران خود و همه مسئولین امور، موافقت کامل داشت. فی الواقع هم کلید حل مشکلات گوناگونی که به علل مختلف، به ویژه بر اثر توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب برورده آن، و در مواردی هم ندانم کاری مسئولین امور، گریبانگیر کارگران و کارمندان بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی گردیده، به طور عمده همان دو روستی است که کارکنان مبارز دخیانیت به درستی به آن اشاره کرده اند: از یک طرف کارگران و کارمندان باید صبر و سکبیایی به خرج دهند و تقاضاهای حق و

خدمات هم اکنون وجود دارند کارگران و کارمندان آگاهی که به واقعیت توجه دارند. اینان به جا و به موقع توطئه عوامل اخلالگر را افشا می کنند و شیوه های انقلابی و درستی را که کارگران باید در لحظه کنونی برای حل مشکلات خود در پیش گیرند، به همکاران خود ارائه می دهند. مثلاً در "هشدار گسروهی از کارکنان دخیانیت" به کلیه کارکنان مبارز و انقلابی این موسسه عظیم، به مناسبت حوادثی که در آن جریان دارد، چنین می خوانیم:

"میهن انقلابی ما شرایط بسیار حساس و دشواری را می گذراند. تجاوز نظامی صدام بیزید آمریکا به جمهوری اسلامی جوان و انقلابی ما نتوانسته آرزوهای ننگین امپریالیسم هار و لجام گسیخته آمریکا را برآورده سازد. ولی سلسله توطئه های آمریکای جنایتکار تمامی ندارد. هم اکنون عمال داخلی امپریالیست ها، به یاری لیبرال ها و چپ نما ها، به موازات فعالیت علیه انقلاب و رهبری آن امام خمینی سعی در رکود هر چه بیشتر تولیدات صنایع داخلی نموده اند. آنها قصد دارند با این عمل کلاهای مورد نیاز مردم را در بازار با کمبود مواجه سازند و از این طریق،

این جا و آن جا، حسته تریخته، عناصر مسکوکی در میان کارگران سابع می کنند که باید اعتصاب کرد، دست به کم کاری زد و با تحریک و تخریب، به اصطلاح حقوق قانونی را تأمین نمود. زمینه این شایعات را البند گرفتاری های تسکین می دهد که به صورت بیگساری، کاهش حقوق و مرایا، همراه با گرانی، قرار گرفتن کارخانه ها در برابر خطر تعطیل به مناسبت کمبود مواد خام، نرسیدن به موقع دستمزدها و حقوق و نظایر آن دامن کارگران را گرفته و زندگی را بر آن ها سخت و دشوار ساخته است.

### هشیاری کارگران

کارگران و همه زحمتکشان در تمام کارخانه ها و کارگاهها، با آگاهی که به عمق و ریشه پیدایش سختی های کنونی دارند و می دانند که این مشکلات زائیده توطئه های پی در پی امپریالیسم آمریکا و وابستگان داخلی آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، البته به شایعات و تحریک دشمنان وقتی نمی گذارند. کارگران و زحمتکشان به درستی، با نهایت صبر و بردباری، نه فقط مشکلات ناشی از توطئه های امپریالیسم و ضد انقلاب را در زمینه های سختی شرایط کار و معیشت خود تحمل میکنند، بلکه با کار بیشتر در محیط کارخانه و کارگاه، با تولید زیادتر و ارائه خدمات همه جانبه تر سعی در تقویت مواضع انقلاب، چه در جبهه جنگ و چه در جبهه دیپلماسی، دارند.

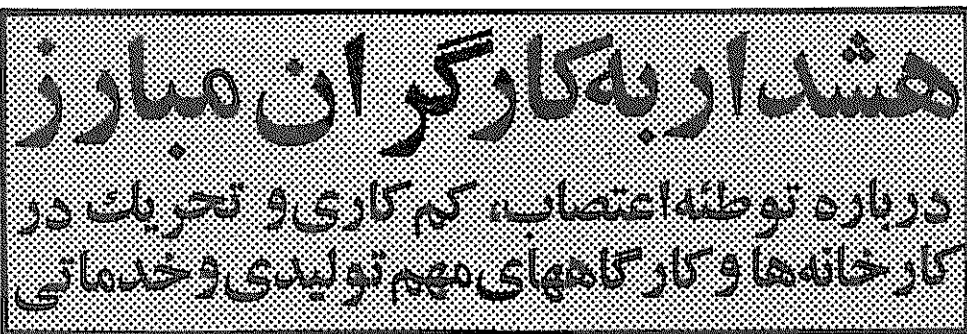
### شیوه های آشوبگری ضد انقلابیون

با این حال شایعه سازان و ضدانقلابیون بیگانه نمسته اند و سلاح تحریک و ایجاد توطئه علیه انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی را زمین نمی گذارند. اینان با حاد سازی فریبی در کارخانه ها و کارگاهها، با نبرداختن به موقع دستمزدها و حقوق و یا عدم تشریح علل تیرکرد پرداخت آن، با اخراج های غیر موجه و یا به کار کردن عوامل منکوب در کارخانه ها و کارگاهها، با جبهه گیری به سود سرمایه داران بزرگ و مخالفت با ملی شدن ها و تخریب در امر تولید و نظایر آن، ابتدا کارگران را عصبانی می کنند و سپس کارگران را به اعتصاب و بلوا و آشوب راهت می شوند، تا نیت ضد انقلابی خود را برآورده سازند.

مثلاً در حال حاضر شایع است که کارگران دخیانیت، کارکنان شرکت واحد، کارخانه پارس آمریکا و یا کانداری و برخی کارگاه های نظیر به اعتصاب کشانده شده و یا می شوند. وقتی علل این اعتصابات و یا تدارک آن را بررسی می کنیم، مشاهده می کنیم که در اینجا و قطعا در جاهای دیگر، عوامل آشوب گرو ضد انقلابی هستند که می خواهند با طرح مشکلاتی که کارگران با آن روبرو هستند، نه برای حل این مشکلات، بلکه به منظور ایجاد آشوب و به سود مقاصد سیاسی ضد انقلاب از این مشکلات بهره برداری کنند.

### کارگران آگاه هشدار می دهند

خوستخانه در واحدهای بزرگ تولیدی و



به خیال خود، مردم انقلابی کشور را نسبت به انقلاب و دفاع از میهن انقلابی مایوس گردانند."

با چنین توضیح و برداشت صحیح از حوادثی که در سطح کشور می گذرد، و انعکاس آن نیز در دخیانیت دیده می شود، کارگران و کارمندان آگاه این موسسه به درستی به همه همکاران خود هشدار می دهند که وظیفه آنان در لحظه کنونی افتادن در دام تحریک کنندگان نیست، بلکه این است که "پوز شیطانی بزرگ را در این جبهه نیز به خاک بمالند و مانع از توقف تولید مایحتاج عمومی مردم شوند."

در همان حال که ابراز چنین بیداری و آگاهی نسبت به وظایف انقلابی خود از جانب کارگران و کارمندان دخیانیت، شایان تقدیر است، این توصیه آنان نیز به همکاران و مسئولین امور جالب دقت و توجه است که، اولاً خطاب به همکاران خود می نویسند:

"درست است که مطالبات ما مشروع و قانونی است، اما باید هشیار باشیم که تقاضاهای خود را به نحوی مطرح سازیم که ضد انقلاب نتواند از آن به نفع خود بهره برداری کند. ما میبایست دریابیم که با تولید دخیانیت، بخش مهمی از تقاضای جامعه را برآورده می سازیم و اقداماتی از قبیل خواباندن چرخ های کارخانه و مانعیت از خروج تولید آن، جز به نفع شیطان بزرگ و به ضرر انقلاب نیست."

### وظایف مسئولین امور

توجه دقیق و سریع به حل مسائل در کارخانه ها و کارگاهها، به طریقه ای که در همین هشدار کارکنان مبارز و انقلابی دخیانیت به آن اشاره شده، و در پیش گرفتن راه های اصولی و اساسی دیگر، متناسب با وضع هر کارخانه و کارگاه چه از جانب کارگران و کارکنان و چه از جانب مسئولین امور، میتواند نه فقط انقلاب و کشور را از خطر حرکات نسنجیده اعتصابی مصون دارد، بلکه محققاً قادر است تا حدود زیادی به حل مشکلات کمک کند.

خطر به اعتصاب کشاندن و تحریک در محیط

## نمایشگاه ضد امپریالیستی در سمنان



از طرف هواداران حزب توده ایران در سمنان، نمایشگاهی از جنایات امپریالیسم آمریکا و رژیم تجاوزگر صدام در نقطه این شهر ترتیب یافت. این نمایشگاه، که از روز ۵ تا ۱۱ آذرماه ادامه داشت، مورد استقبال مردم سمنان قرار گرفت.

## کارگران اخراجی کمپوت سازی های مشهد باید به سرکار برگردند

در شرایط حساس کنونی، که میهن انقلابی ما در تحریک آمریکا و تجاوز سعی های عراق است، در زمانی که کشور ما در محاصره اقتصادی امپریالیست ها قرار دارد. هنگامی که ما احتیاج به تولید بیشتر و نظم انقلابی در امر تولید داریم، باکمال تأسف و حیرت، کارخانه های کمپوت و کسروسازی مشهد، یکی پس از دیگری دست به اخراج کارگران خود زده اند، به این بهانه که قوطی ندارند و نمی توانند مل سالی به کار ادامه دهند.

تاکنون در چند کارخانه، از جمله کارخانه های: سوغات جدید، نوبرانه، قدس و چندین کارخانه دیگر، کارفرمایان دست به اخراج بیشتر کارگران زده اند.

اخراج کارگران به علت تعطیل کارخانه ها نیست، چون ناچار هیچ یک تعطیل شده اند. بلکه به این علت است که کارفرمایان می خواهند حداکثر کار را از حداقل تعداد کارگران بکشند.

کارگران می گویند: اگر این کارخانه ها قوطی ندارند، چرا دائماً کاری کنند؟ از طرف دیگر حندی پس تعداد ده میلیون قوطی

## کمک کارگران میادین بار فروش تهران و حومه به جبهه جنگ

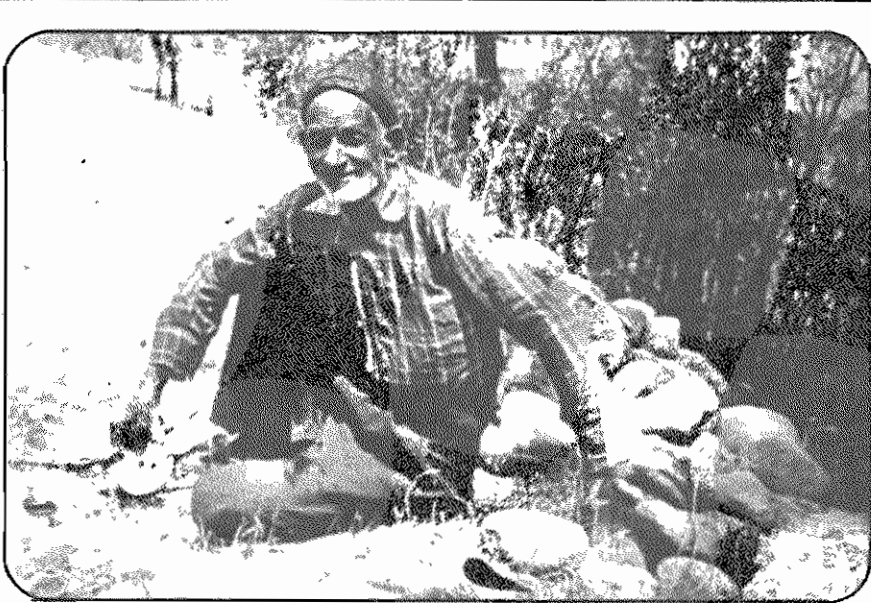
گرفتم برای پیشبرد اقتصاد مملکت در این موقعیت خطر جنگ تحمیلی امپریالیسم آمریکا و نوکر سرسپرده او صدام حسین کافر، که به ما تحمیل شده، ما کارگران میادین هم از استراحت ۲ ساعته قانونی بعد از ظهر خود

سندیکای کارگران میادین بار فروش تهران و حومه طی اطلاعیه ای می نویسد: "ما کارگران میادین



روستای نوازن: ما نه تنها با صدام، بلکه با آمریکا در جنگیم

# باتکیه بر نیروی پر توان روستائیان زحمتکش قانون اصلاحات ارضی را اجرا کنید!



در یکی از دهات آذربایجان شرقی هستیم. این دو عکس در یک روز گرفته شده، ولی حدود هشتادسال عمر آنها را از هم جدا می‌کند.

مصطفی، دهقان پیر، ۸۲ سال دارد. هشتاد سال جزء دهقانان بی‌زمین بود. حالا کمی زمین گرفته و جزء کم‌زمین‌ها به‌شمار میرود. علی‌رغم ۸۲ سال رنج و زحمت، پر از امید به آینده است. چنانچه گواهی می‌دهد و انقلاب لیخند بر لبانش نهاده است.

این دو کودک چوپان هم یکی "آزاد" است که کلاه دارد و دیگری "فامن". بناچار باید دامداری کنند. اما میخواهند درس بخوانند. آزاد یک کلاس هم درس خوانده و می‌گوید:

"اگر پدرم اجازه دهد، می‌خواهم درس را ادامه دهم". اگر شرایط زندگی اجازه دهد و امکانات باشد... آنها هم امیدوارند.

بذر این امید را انقلاب در دل مصطفی ۸۲ ساله و آزاد ۷ ساله کاشته است. با توجه به آسای ترین خواست‌های آنها و بویژه کوتاه کردن قطعی و کامل دست‌بزرگ مالکان و اجرای همه بندهای قانون اصلاحات ارضی، این بذر را بارور سازیم و انقلاب را تحکیم کنیم.



## زحمتکشان ما امسال دو برابر سال قبل کاشته‌ایم دهلق: و اگر به ما زمین بدهند باز هم می‌کاریم

روستای دهلق در ۱۵ کیلومتری اراک قرار دارد و ۱۵۰ نفر جمعیت دارد. یکی از زحمتکشان روستا بنام محمدعلی اکبری در ارتباط با فرمان امام خمینی مبنی بر کشت هرچه بیشتر زمینها می‌گوید:

"ما امسال دو برابر سال قبل کاشته‌ایم، و اگر زمین در اختیارمان قرار دهند، باز هم می‌کاریم."

می‌پرسیم: آیا زمینی هست که بشما بدهند؟ در جوابمان می‌گوید: "بله! در حدود ۱۰۰ هکتار زمین بایرداریم، که اگر تحویلمان بدهند، ما همگی حاضریم آنها را بکاریم."

یکی دیگر از زحمتکشان دهلق، که عضو شورای ده است، در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: "معداری زمین بایر در اطراف روستا بود، که وقتی خوش‌نشینان به برای اجازه کشت به هیئت هفت نفری مراجعه کردند، به آنها گفتند که یک شرکت که چند نفر از دانشجویان تشکیل داده‌اند، زمین را اجاره کرده‌است، ما می‌گوئیم در سرا بی‌طی که خوش‌نشینان ما بیکار رند و آماده کشت هم هستند، چرا این زمین را بمانمیدهند، ما می‌خواهیم هیئت هفت نفری بوضع ما رسیدگی کند."

در باره آمادگی آنها برای نبرد با رژیم صدام مزدور می‌پرسیم. یکی از جوانان روستا می‌گوید:

"این جاکسی برای تعلیم مانیا آمده‌است، ولی چند نفر از اهالی روستا برای یاد گرفتن اسلحه به شرفه‌اند و تعلیم دیده‌اند، ما همه ما مان از خدا می‌خواهیم که بیایند اینجا و ما را تعلیم بدهند."

زحمتکشان روستای دهلق برای کمک به جبهه نبرد حق با باطل از نظر خواروار و پول کمکهای زیادی کرده‌اند.

طرح واگذاری زمین به دیپلمه‌های بیکار، اگر زیر نظر دقیق و بر- اساس تعاون واقعی باشد، طرح مثبتی است. نباید گذاشت بین این طرح و برنامه اساسی واگذاری زمین به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین تعارضی حاصل شود. در بسیاری از موارد میتوان بصورت مشاع یک تعاونی بزرگ و نیرومند و برخوردار از کمک‌های دولتی و نهادهای انقلابی تشکیل داد، تا همه نیروها، مشترکاً، بکار افتد و بدون هیچگونه برخورد منافعی بین قشرهای زحمتکش و انقلابی، اعم از دهقان و دیپلمه بیکار، زمین‌های بزرگ کست برود و اقتصاد کشاورزی اعتلا یابد.

روستای اشتربه، یکی از روستاهای بخش ظفرود است و در شهرستان قسم قرار دارد. اهالی به کشاورزی و دامداری می‌پردازند.

در روستای اشتربه یک دستگاه قالی‌بافی وجود دارد. کشاورزان اشتربه بصورت کارگر در اراضی مالکان بزرگ کار می‌کنند. بزرگ مالکان اشتربه در روستای دولت‌آباد نیز دارای اراضی وسیعی هستند. آنها محصولات صیفی و غله را به صورت نصفه کاری تقسیم می‌کنند و فرآورده‌های باغ نیز به نسبت یک به پنج قسمت می‌سوند.

در روستای اشتربه ۱۲۰ هکتار زمین دایر وجود دارد و وسعت اراضی بایر نیز بسیار زیاد است. عباس جاوید، یکی از کشاورزان، در این مورد می‌گوید:

"زمین بسیار مرغوب زیاد است، و در صورتی که تقسیم شوند، ما تا حد جان در راه خود کفای کشاورزی مملکت کوشش می‌کنیم."

وی سپس چنین ادامه می‌دهد: "ما به خون ارباب تشنه هستیم. این‌ها سال‌ها خون ما را مکیده‌اند و حالا بعد از انقلاب از ترس آمده‌اند و برای ما یک حمام ساخته‌اند، اگر کمیته هفت نفری زمین‌ها را تقسیم کند، ما سالانه به بنیاد مستضعفین هر اندازه اضافه‌تر مخرجمان باشد، کمک می‌کنیم."

حسین سالارمنش، یکی دیگر از کارگران کشاورزی، می‌گوید:

"می‌توان از این زمین‌ها ۷۰ خروار غله برداشت کرد و اینجا جای زندگی ۱۰۰ خانوار است. اگر قنات درست شود آب فراوان وجود داشته باشد، می‌توان اراضی زیادی را به زیر کشت برد. ولی عدم توجه ارباب‌ها و ظلم و جور آنها باعث شده که از این روستای ۱۰۰ خانواری اکنون ۴ خانوار باقی بماند. اگر جهاد فقط یک حکم به ما

بدهد، ما خودمان توی سر ارباب می‌زنیم برو شکایت کن. آقای صفری، زاندارم ظفرود، به دهقانان می‌گوید:

"اگر حکم داشته باشید، ما طرفدار شما هستیم و نمی‌گذاریم ارباب‌ها تنگتان بخورد. ما مدرسه و معلم می‌خواهیم که در دولت‌آباد، در دو کیلومتری اینجا درس می‌خواند، به هنگام رفتن به مدرسه در چاه افتادو مرد."

روستای اشتربه فاقد درمانگاه و امکانات درمانی است. نزدیک‌ترین درمانگاه به اشتربه در فاصله ۶ کیلومتری است. این روستا لوله‌کشی ندارد و آب مصرفی اهالی از قنات تامین می‌گردد، که لازم است لایروبی شود. روستای اشتربه شورا ندارد، لیکن یک نفر از اهالی روستا برای عضویت در شورای دولت‌آباد به این روستا اعزام شده است. اشتربه مدرسه ندارد، لیکن معلم ندارد!

دهقان زحمتکش می‌گوید: "ما خودمان توی سر ارباب می‌زنیم... در صورتی که تقسیم شوند (زمین‌ها) ما تا حد جان در راه خود کفای کشاورزی مملکت کوشش می‌کنیم."

این حقیقتی است و باید به آن توجه جدی کرد. انقلاب بر نیروی پر توان این زحمتکشان تکیه دارد. نیروی پر- توانی که می‌توان و باید با آنها، همان انقلاب را عمیق بخشید و دشمنان سرکند خورده، آن را سرکوب کرد. هیئت‌های هفت نفری باید در اسرع وقت، با استفاده از این نیروی عظیم، به اجرای قانون اصلاحات ارضی اقدام کنند و سایه تولید غارتگران و توطئه‌گران را از زندگی آنان محو سازند.

## اقدام انقلابی هیئت‌های هفت نفری موجب دلگرمی دهقانان می‌شود

روستای چوب‌تراش از توابع بکشلو- چای، ۵۴ خانوار و جمعیتی در حدود ۵۰۰ نفر، در ۱۲ کیلومتری ارومیه قرار دارد. کل اراضی قابل کشت روستا ۲۴۰ طناب است.

هیئت ۷ نفری ارومیه فعالیت بسیار مثبتی نموده، که موجب امیدواری دهقانان و تقویت پشتیبانی آنان از انقلاب شده‌است. هیئت برای تشکیل شورای ده به دهقانان کمک کرده و اراضی ارباب ده را بین دهقانان بی‌زمین این روستا تقسیم کرده است.

اکنون تامین آب زراعی دهقانان چوب‌تراش از رودخانه شهرچای مسئله مهمی را تشکیل می‌دهد، که اگر حل شود، به تولید فراوان تر و رضایت دهقانان منجر خواهد شد. سد روی این رودخانه ۴ سال است که خراب شده و دهقانان مجبور هستند که از ارباب سابق ده آب را ساعتی به قیمت ۴۰ تومان خریداری کنند.

دهقانان می‌گویند: حالا که هیئت ۷ نفری به طور عادلانه زمین را بین دهقانان تقسیم کرده، ضروری است که در اختیار آنان دیگر امکانات کشاورزی از قبیل آب، کمک فنی و غیره گذارده شود، تا دهقانان بتوانند بطور موثر در جهاد کشاورزی شرکت کنند و با تولید

بیشتر توطئه محاصره اقتصادی امیرالیم آمریکا را خنثی کند. دهقانان زحمتکش چوب‌تراش برای دفاع از منهن انقلابی در برابر توطئه آمریکا صدام مزدور، خواستار این هستند که در بسیج ملی شرکت کنند و فنون نظامی را یاد بگیرند. علی محمدزاده می‌گوید:

"ما مطیع امامیم. هر فرمانی بدهد، فرمانبرداریم و این دولت روی چشم ماست."

او مانند سایر دهقانان بهترین خاطره را از فعالیت هیئت ۷ نفری دارد و همه خواستار ادامه فعالیت هیئت ۷ نفری و حامی جدی آن هستند.

دهقانان زحمتکش به حق از نقش محترکین و ضدانقلابیون در امر گرانی ارزاق ناراحتی خود را بیان می‌دارند و آنان را باعث این نابسامانی اقتصادی می‌دانند.

یکی زروستائیان (که بنایی میکند) می‌گوید: "آقا، پولدارها روغن و برنج و دیگر چیزهای لازم را انبار می‌کنند و گران‌تر به مردم می‌فروشند. والا محصولات مملکت همان است و مال خودمان هم شده، ولی این طمعکارها قیم می‌کنند."

امام خمینی: بسه کشاورزان بگوئید ما نه طرفدار فتودال هستیم نه طرفدار سرمایه‌دار.

نوازن با جمعیتی در حدود ۳۰ نفر (۸۰ خانوار) در ۲۲ کیلومتری شمال اراک در منطقه فراهان فرا گرفته است.

تعداد خوش- نشینان روستا زیاد است. در زمستان با بین عده که تقریباً ۱۰ اهالی را ششامیل میشوند، بیکار رند.

زحمتکشان نوازن نیز اصلاً چند برابر سال قبل زمین را کاشته‌اند، تا در این شرایط حساس به میهن خود خدمت کنند.

احمد رضا، یکی از جوانان زحمتکش نوازن، که راننده تراکتور است و در جهاد کار می‌کند، می‌گوید:

"از سیاه تقاضا کردیم برای تعلیم نظامی بما کمک کنند از طرف برادران سیاه به این جا آمدند مردم روستا را موزش دادند."

در باره تجاوز رژیم خائن صدام، بردمستی، باقی‌افه‌ای را فروخته، می‌گوید:

"اگر ما فقط با مدام طرف بودیم تا حال قورتش می- ایدیم، ما نه تنها با مدام، بلکه با آمریکا در جنگیم."

تا سفاکانه مدتی است که بر سر زمینهای زروعی اختلافی بین زحمتکشان روستای وزیرآباد رنوازن بروز کرده و عتی در مواردی به دو خوردهای جزئی نیز منجر گردیده است.

گرایین اختلافات وسیله هیئت هفت نفری هر چه زودتر حل نشود، ممکنست تا ربه زدو خوردهای بیشتری نجا مد. در بین زمینه‌های وظیفه انقلابی مهمی متوجه بیئت هفت نفری است. زحمتکشان با نم برادرند و نفع شرکت دارند و باید لیه دشمن مشترک متحد شوند و برادر سائل تولیدی و عیشتی خود را حل فصل کنند آن آمریکا نه دهقان بی‌رمی - بوید با آن در جنگ ست و عمال آن

میریکای شیطان فنت، می‌خواهند ما جان هم بیفتیم و بی درده نواز نو زیر آب از دزد خورد خیم، خنثی کردن بین نوع توطئه‌ها هم یک وظیفه انقلابی ست. همه نهادهای انقلابی همه انقلابیون برای انجام این وظیفه انقلابی سئولیت دارند.

# از سینمای راستین انقلابی درباره سینمای ضد انقلابی دفاع کنیم



پس در حالیکه در دو سال گذشته سینمای انقلابی کم و بیش راه خود را گشوده است، هنوز فیلمهای ضد انقلابی در ایران نمایش داده میشود و فیلمهای انقلابی در میان تودهها توزیع نمیشود.

کسند، و مجاز شدن کلام سکر و خشونت، تخدیر و تحقیر و تحقیر مخالفین اما سانسور انیدیشه - های مترقی را - به ویژه در عرصه هنر، که گزندی پذیرتر است - تا درست و مخالف با سرت و منافع انقلاب و امری غیر اخلاقی می دانیم. این بله به خصوص در ماههای اخیر، دامنگیر آثار مترقی و انقلابی سینمای اتحاد شوروی شده است، تا حائیکه فیلم ار رسیده، دن آرام، که معروفیت و اهمیت جهانی دارد و نسخه اصلی آن هفت ساعت به طول می کشد، در تهران به صورت یک فیلم منقطع و سلیقه ای ساخته شده است! فیلمهای دیگری نظیر جبهه و یکمین، زنده باد لومومبا و انقلاب فرانسه نیز سانسور غیر مسئولانه در مان نماندند و تقریباً تمام محتوای مربوط به فعالیت حزب کمونیست شیلی از فیلم حذف شده است. این عمل هیچ نامی جز مسخ و تخریب آثار هنری و توهین مستقیم به تماشاگر ندارد، و به هیچ وجه در شان جامعه انقلابی ما نیست.

در کشور انقلابی ما، که قانون اساسی آن هر نوع سانسور را ممنوع شناخته و هیچ دستگاه رسمی برای بازبینی و سانسور فیلمها - از نظر سیاسی - وجود ندارد، مسئولان موظفند تنها از اشاعه فیلمهای ضد انقلابی و غیر اخلاقی جلوگیری کنند.

این کدام دست مرموز است که فیلمهای ضد انقلابی را روی پرده می آورد و فیلمهای انقلابی را سانسور می کند؟ بدون شک پاسخ این سوال را باید در داده ما تسلط سرمایه داران بزرگ بر بخش عمده سینمای کشور - غیر از چند سینمای بنیاد مستضعفین - جستجو کرد. بخشی از سرمایه داران بزرگ با تکیه بر عناصری از طبقه بورژوازی، که هنوز در دستگاه اداری لانه کرده اند، و با استفاده از نبودن هیچ گونه قانون ویژه و کنترل دولتی به وارد کردن و پخش ضد انقلابی ترین و مبتذل ترین فیلمها ادامه می دهند، متأسفانه تقریباً تمامی این فیلمها حمل اصلی نمایش خود را در میان تودهها - در جنوب تهران و شهرستانها - می یابند. بخشی از سرمایه داران بزرگ هم که برای سودجویی فیلمهای مترقی و معروف را وارد می کنند، چنانکه یاد شد - از لاسخی آن کمترین ابائی ندارند. بعلاوه فیلمهای مترقی تنها در شمال تهران و جداگانه در یک سینما روی صحنه می آیند (مثلاً "ما ربیب" یا "محکوم با عدام") در حالیکه فیلمهای مبتذل چندین برده را در سراسر کشور به خود اختصاص می دهند، (مثلاً "برندگان سیاه") از جانب دیگر سرمایه داران بزرگ برای فیلمهای خود دست به تالیفات وسیع میزنند و صفحات روزنامه های پرتیراژ را ملغوظ از آنکشی نمایش فیلمهای سودجویانه می کنند، در حالیکه نظرخود می کنند، در حالیکه فیلمی مانند "کیک در آسمان" بی سر و صداری برده می آید و میروود و کمتر کسی خبرش میشود.

ایران انقلابی و خلقی تهران ایران طلب می کنند. نظر تودهها داشته باشد. قانون ویژه ای باید سانسور انیدیشه - های انقلابی را مانع شود و در مقابل، ورود هر نوع فیلم غیر اخلاقی و ضد انقلابی را ممنوع کند. مهمترین از این، تخریب فیلمهای انقلابی در میان تودههاست، و این تنها و تنها با نظارت دولت سرکار سینماها امکان پذیر میشود.

فروتنانه و بی نظاهر عرضه می کنند. چنین نکردی در دو فیلم "اسما نخراش جهنمی" و "شهری در آتش" - که اخیراً در تهران به نمایش درآمده اند - به چشم می خورد. این هر دو فیلم هم آمریکا می هستند، با اینکه در تهران از پوسته های چاروبایاتی آنها استفاده شد. (ایضا، کلسک دیگری برای قالب کردن فیلمهای آمریکا می! در فیلم "هانی نظیر شهری در آتش" میگویند وحتت های غیر حقیقی و کادری را جایگزین دلهره ها و نگرانیهای راستین بشر سازند. وحتت های موهومی نظیر سوانح طبیعی (زلزله، آتش سوزی و...) و حیوانات عجیب الخلقه (کینگ کونگ، آرواره ها و...) به عنوان مصیبت ها و فاجعه های چاره ناپذیر و ما را "طبیعی نمایانگر" می شوند، و اذهان نا آگاه را از دلهره های راستین بشری چون فقر، استثمار، جنگ، بی فرهنگی، آبروگری، عقب ماندگی و... که همگی از مغان امپریالیسم و نظام جهنمی سرمایه دار است می شویند. فیلم "شهری در آتش" که در چند سینمای تهران به نمایش درآمده و به ظاهر هیچ رنگ سیاسی ندارد، پیش برنده "چنیسن نگردی است."

استفاده از عواطف و علائق سیاسی - با یاد متذکر شد که، حربه اساسی سینمای غرب برای جلب مشتری استفاده بی دریغ از سکن و خشونت است. اما از آنجا که در ایران انقلابی است، این حربه تا حد زیادی کسند شده است. سینمای غرب - مشخصاً برای کشورهای در حال رشد - و ضد امپریالیست - جانشی سیاسی را به ضرورت ترین شکلی به کار می بندد، نمونه "کامیونال" یا "قیام بردگان" است که هم اکنون در چند سینمای تهران به نمایش است. فیلمی که هر سه پرور او به اش از تحقیر و توهین نسبت به سیاه پوستان انباشته است، ولی با داعیه دفاع از بردگان سیاه به بازار می آید. در تمام تصاویر فیلم، سیاهان موجوداتی ترسناک، "گله بوک" و نامتمدن تصویر شده اند - "سرت" یا "بک و فطرت" درجه دوم آنها است! آخر امپریالیسم چه داعی دارد که از سیاه پوستان بکند، که رایسان فیلم "انقلابی" هم بسازد؟! بدیهی است که دوسگردی که بر سر مردم، تنها به شرط نا آگاهی و بی خبری تماشاگران کار برد دارد، بومی توان منطف بود که با ناآراستن روند سیاسی تماشاگران و تعمیق آگاهی اجتماعی آنان، و نیز دریافت دقیق ترشان از زبان سینما، متساین دغلکاران باز خواهد شد، چنانکه تاکنون در بسیاری موارد ناهوده ایم.

باز هم سانسور؟! در این فرصت به جا می دانیم که از پدیده زشتی که در این او خرفضای سینمایی را آلوده است، یاد کنیم. سانسور فیلمهای مترقی میسر است زشتی است که طاغوت از خود آن یادگار گذاشت، این ماهیت آن رژیم منحوس بود که در برتر حقیقت، سفاکیهای خود را بر ملا و حاکمیت خانکس خود را رسوا می دید، و از این رو از سانسور آگاهی و بیداری جلوس می گرفت. اداه چنین پدیده ای در نظام جمهوری اسلامی، که با آن نظام تفاوتی بیاد دارد، سارو و ساجاست. سانسور اندیشه های مترقی در نظام انقلابی ما عیج محمل عینی ندارد و تنها به سودنشینان انقلاب است. ما با بی سندوباری فرهنگی حاکم "لیبرالها" مراد می-

فرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

در سالهای دراز پس از انقلاب، سینما در مین ما، در دهس توده های محروم و مستعده مردم، با تحریف، تحمیق و تحقیر مکرر برابری بود، و در یک کلام، به تعبیر امام خمینی، از وسائل اصلی "اشاعه فحشاء" شناخته می شد. رژیم منحرف پهلوی، به واسطه سرت ضد مردمی و نقش فاشانه ای که داشت، "فرهنگ" را جز در قالب و محتوای مبتذل، منحنط و سفیج آن نمی پذیرفت و سینما را نیز جز در چارچوب چنین "فرهنگی" حقیقت نیود. چنین سینمایی بود که از نخستین روزهای انقلاب آماج خشم صدیق توده ها گردید. سیاست فرهنگی دولت "کامپ به گام" به هیچ روی پاسخ دهنده و شایسته ای به این اعتراضات پاک و خشمگین نبود. سینمای طاغوت با تمام جوانب و خواص چهل پرورانه و غیر انسانی در برابر دیدگان حیرت زده مردم انقلابی سرازور بر آورد و به جلوه گیری پرداخت الیبرالیهای مقدس مآب، که به حدت نگران اندیشه های مترقی و "لقاء" یاری اسحمارات سینمایی غربی شتافتند و به مراکزما بندگی آنان امید و تضمین فعالیت بخشیدند. از سوی دیگر، سود - حویان و با زمانندگان طاغوت، با علم کردن جنبه های تجاری "صنعت سینما و نا چیز گرفتن ررهای فرهنگی آن، هر نوع فکر مخالفی را به عنوان هواداری از رگود و کساد تولیدی و صنعتی به باد انتقاد گرفتند! این عادت دیرین و سرشتی سو اگرا ن است که از هر چیز برای جیب خود "کالا" میزود آوری می سازند، حتی اگر گسترده ترس و خطر - ترین افزار فرهنگی همه مردم باشد.

با این وجود، سینما در گرو حمایت مشتری و وابسته به علائق اوست. در روزهای فدا خلقی همانند دوران شاه ملعون - نوسانات سینما یکسره تسامح هوسای چند سرمایه دار فاسد و تکمیرست بود، اما در کشوری که مردم آن برای خود حق انتخاب آگاهانه می شناسند، کنترل با زار فیلم و حتی تا حد زیادی روند تولید فیلم را نیز - به طور غیر مستقیم - با اختیار خود در می آورند. وارد کنندگان فیلم، هر چند که با سرمایه های هنگفتی به میدان آمده باشند و از حمایت لیبرالها نیز برخوردار باشند، قادر نخواهد بود برای مدتی طولانی "کالا" های بی خاصیت خود را بر بازار تحمیل کنند. تماشاگران آگاه می توانند - در محیط مناسبی که به برکت انقلاب پدید آمده است - خواستها، نیازها و علائق خود را بر بازار سینما حاکم کنند و سینما را - چنانکه باید - به قلمرو راستین فرهنگ برسانند. و انقلابی خویش بدل سازند. استقلال کم نظیر و غیر مترقیه مردم از دو فیلم ارزنده ما در "چگونه فولاد آبدیده شد" در ماههای اخیر شاهدی برایین مدعات است. اگرچه دولت انقلابی نیز با بدداری، میدان به کمک مردم سیاید و می کردن کامل بازرگانی خارجی انحصار کامل کالاهای وارداتی را از جمله فیلم خارجی وارداتی را خود بگیرد.

در جوار رشد این جریان سالم که تکامل و پیروزی آن، تنها به سرت انقلاب ضروری و قطعی است، سینمای ضد انقلابی، که به طور عمده بر کارتلها و کمیته های آمریکا می متکی است، به تقلب برای برگرداندن سلطه خویش ادامه می دهد. این سینما، از آنجا که در مواضع ضعیف و ضریب خورده ای قرار دارد، از طرفتها و شوگردهای معینی سود می جوید: ۱- با لایردن کیفیت کالا - وارد کردن فیلمهای بر زرق و برق و جنجالی که از هرگونه محتوا و بیای می فارغند. منظور انحصارات سینمایی از "سفا" رن دادن چنین فیلمها - های رقابت با فیلمهای ارزنده و سالمی است که محتوای انسانی و بیگانه رجویانه خود را در نمایش اعمال زور. ۲- با کساری و سواری دستگاه دولتی است. ۳- هدف اصلی از این سواری، احاد یک دستگاه کارای دولتی با حداقل هزینه است. ۴- شیوه اصلی سرچوردن اسحصان در سواری شیوه اساع و برست است به اعمال زور. ۵- از کارسدان دولتی، که در حین سواری بیگار می سود، باید در کارهای مفید تولیدی استفاده کرد.

۶- با کساری و سواری دستگاه دولتی با ناطعیت و عدالت انجام نگیرد. باید از کسانی که عدلال با توجه سیاسی با کساری شده اند، اعاده حسم عمل آید.

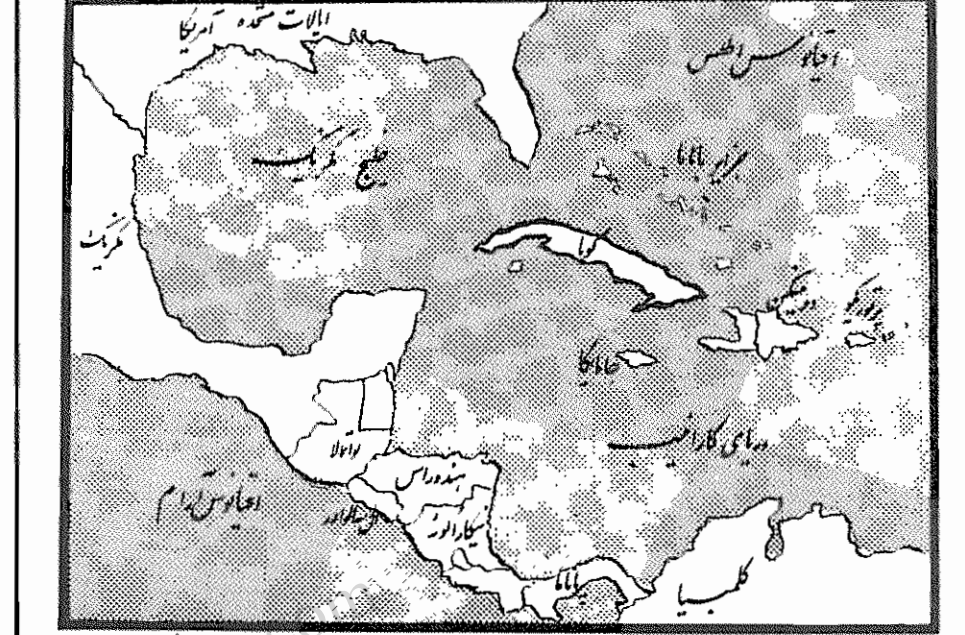
# به مناسبت تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست کوبا برخی از دستاوردهای کوبای سوسیالیستی در بیست سال اخیر

فرهنگ: پیش از پیروزی انقلاب در ۱۹۵۹، کوبا تنها در ۲۴ رشته تخصص تربیت می شد. اکنون ۳۵ رشته عالی، کالج و دانشگاه در کوبا هست، که در آنها در ۶۹ رشته تخصص تربیت می یابد.

صنعت: جدول زیر رشد تولید برخی از فرآورده های صنعتی را در کوبا در دو دهه نشان می دهد:

فرآورده	۱۳۳۷	۱۳۵۷
فولاد	۲۴ هزار تن	۳۰۰ هزار تن (سال ۱۳۵۶)
سرق	۳۹۷ هزار کلو	۱۸۴۱ هزار

بهداری و پزشکی: بهداری و پزشکی کوبا پیشرفته تر از همه کشورهای آمریکای لاتین است. خدمات پزشکی در کوبا به گلی رایگان است و هر ۶۹ کوبایی از یک پزشک بهره مند می شود. نرخ مرگ نوزادان، که در سال ۱۳۳۷، ۶۰ درصد بود، اسک به ۱/۹۳ درصد کاهش



آموزش و پرورش: پیش از پیروزی انقلاب، ۲۰ درصد مردم کوبا بیسواد بودند و میانگین سطح آموزش با نین ترا کلاس سوم بود. جنش سواد آموزی در ۱۱ دی ۱۳۴۰ آغاز و در یک تیر ۱۳۴۱، کوبا به عنوان کشور عاری از بیسوادی اعلام شد.

در سال تحصیلی ۳۸-۱۳۳۷، تنها ۸۱۱۳۰۰ کوبایی به مدارس و دانشگاهها می رفتند، که ۷۱۶۳۰۰ نفر را شاگردان دبستانها، ۸۰۰۰۰ نفر شاگردان دبیرستانها و ۱۵۰۰۰ نفر دانشجویان دانشگاهها تشکیل می دادند.

پس از پیروزی انقلاب، آموزش در همه سطوح رایگان شد. در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷، شماره شاغلان به تحصیل به ۲۵۳۵۰۰ رسید، که از جمله ۱۷۶۱۳۳۴ نفر را کوبستانیها و دبستانیها، ۱۰۴۴۴۶ تن را دبیرستانیها و ۱۴۰۳۴۲ نفر را دانشگاهیان تشکیل می دهند. اینک تقریباً همه آموزگاران کوبایی دارای دانشنامه دانشگاهی

در کساورزی کوبا اینک بیش از ۳۰۰۰ فارغ التحصیل دانشگاهی ۲۴۰۰۰ کادرفنی دبیرستانی اشتغال دارند. برداشت محصول نیشکر در سالهای ۵۷-۱۳۵۶، بیش از ۷/۳ میلیون تن بود، که پس از محصول ۴۹-۱۳۴۸ رگورد بشمار می رود. میزان محصول مرکبات، که پیش از انقلاب نزدیک به ۶۰ هزار تن بود،

### «کتاب کهنه تزویر خواهد سوخت»

بیاد شهیدای خوزستان

سان کوچکهای رنج و هشیاری، در کربانه طین غرض تدبیری بیچند تب اینار میسوزد سرپای و خود تودهها را سخت روز افزون

گلوی رخی ایران، خورش معره شیر اوزنان را وام میخواد ووزندان غیرتند.

بربر پرچم بالنده وحدت، یکایک قافله سالار آزادی، براردوی رشادت گام می کوئند وایمان پشتهها از کشته میسازد. و در غرب و جنوب و شرق، حساسه میرابرد خون

حوب! ای داغدار سرخوش! ای خاستگاه خشم زور افکن! به تو نگاه کردان سلخورددهات سوگند: به رحم سینعات سوگند! که تا عشق و عرور تودهها میگوئند کونده است که تا پای رفیقان راهبان شهر آینه است سرود سرح تو سوزند تر از آتش حمیاره های وحشی صدام، کتاب کهنه تزویر اردست آمریکا، ظفرندانه خواهد سوخت

ناهد - آبانماه ۱۳۵۹

فرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق





حجت الاسلام محمد خاتمی:

حجت الاسلام محمد خاتمی سرپرست هیئت اعزامی جمهوری اسلامی ایران به ۶ کشور اروپایی (آلمان غربی- فرانسه- ایتالیا - اسپانیا- انگلستان و یوگسلاوی) عصر دیروز در يك مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفت.

اول امر یکا و بعد اروپای غربی علیه انقلاب ایران توطئه میکنند

حجت الاسلام محمد خاتمی سرپرست هیئت اعزامی جمهوری اسلامی ایران به ۶ کشور اروپایی (آلمان غربی- فرانسه- ایتالیا - اسپانیا- انگلستان و یوگسلاوی) عصر دیروز در يك مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفت.

حجت الاسلام محمد خاتمی سرپرست هیئت اعزامی جمهوری اسلامی ایران به ۶ کشور اروپایی (آلمان غربی- فرانسه- ایتالیا - اسپانیا- انگلستان و یوگسلاوی) عصر دیروز در يك مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و به سئوالات خبرنگاران پاسخ گفت.



رهبران کنونی یکن، جنایات دوران «انقلاب فرهنگی» را تایید می کنند

رهبران چین اکنون بیش از پیش به جنایات دوران «انقلاب فرهنگی» و بعد از آن اعتراف می کنند. هویائو بانگ که گفته میشود بجای هواگوفنگ، صدحزب کمونیست چین خواهد شد، در مصاحبه با چند روزنامه نگار یونانی، دوران «انقلاب فرهنگی» را دورانی فاجعه آمیز برای چین خواند. وی گفت: در این دوران که از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ به طول انجامید، مصیبت های بزرگی به کشور وارد شد و به اقتصاد، فرهنگ ضربات جبران ناپذیری وارد گردید.

از سوی دیگر، ناظران سیاسی در یکن اعلام کرده اند که روزهای حکومت هواگوفنگ به شماره افتاده است. در یکن يك سخنگوی چینی حاضر نشد به سئوالات خبرنگاران خارجی در مورد کناره گیری «هوا» پاسخ دهد. گفته شده است که هواگوفنگ تحت فشار داروستانه تنگشایونینگ از کارکناره گیری می کند.

اعتصاب غذای مبارزان، در زندانهای ایرلند شمالی

در زندان «مئیر» در ایرلند شمالی، ۲۳ زندانی مبارز دیگر دست به اعتصاب غذا زده اند. این اعتصاب بعنوان همبستگی با ۷ زندانی مبارز دیگر، که پیش از چهل روز است دست به اعتصاب غذا زده اند، صورت گرفته است. این ۷ تن تقاضا دارند مانند زندانیان سیاسی با آنها رفتار شود، زیرا بخاطر مبارزه علیه اشغال اولستر «ایرلند شمالی» بوسیله نیروهای امنیتی بارداشت شده اند. دولت انگلستان حاضر نیست با این تقاضا موافقت کند، هرچند که زندگی این ۷ تن جدا در معرض خطر قرار گرفته است.

یاسر عرفات سیاست امپریالیسم آمریکا در قبال خلق عرب فلسطین را محکوم کرد

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، سیاست دولت آمریکا در برابر مبارزه عادلانه خلق عرب فلسطین در راه دستیابی به حقوق مشروع خود محکوم کرد. وی طی بیاناتی در پایتخت لبنان خاطرنشان ساخت که، تبلیغات خصمانه امپریالیسم آمریکا علیه خلق فلسطین و یگانگی نمایندگی واقعی آن سازمان آزادیبخش فلسطین، زمینه مساعدی را برای وحشیگریهای نظامیان اسرائیلی فراهم میسازد.

ادامه کشتار مبارزان انقلابی در السالوادور

سخنگوی کلیسای کاتولیک در سان سالوادور، پایتخت السالوادور، اعلام کرد که طی ۶ روز گذشته، بیش از ۱۴۴ تن در این کشور کشته شده اند. وی تاکید کرد که مسئولیت این قتلها به گردن ارتش و پلیس السالوادور است، که به دستور رژیم دست نشانده و وابسته به امپریالیسم آمریکایی عمل میکنند. مفسران سیاسی محلی، در ارتباط با تغییرات در داخل داروستانه نظامی السالوادور، به تشدید فشار و تفسیفات اشاره کرده و این جریانات را يك کودتای واقعی شمرده اند. در همین زمینه، باید به احتمال روی کار آمدن محافل راستگرای تندرو در ارتش این کشور اشاره کرد.

Advertisement for 'Mardom' newspaper, including contact information and subscription rates for various countries.

تظاهرات دانشجویان آلمانی علیه استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی

بیش از پنجاه هزار تن از دانشجویان، استادان و نمایندگان سازمانهای ترقی خواه آلمان فدرال علیه تصمیم پیمان نظامی ناتو در زمینه استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی، دست به تظاهرات زدند. در ایسن تظاهرات، که در چند شهر بزرگ برپا شد، قطب نامه های در مخالفت با افزایش بودجه نظامی آلمان فدرال صادر کردند و خواستار افزایش این بودجه برای مصارف اجتماعی شدند.

پلیس برلین غربی تظاهرات مردم بی خانمان را وحشیانه سرکوب کرد

در برلین غربی، برای دومین روز، برخورد میان شهروندان بی خانمان و پلیس ادامه دارد. افراد پلیس وحشیانه به خانه های که مردم آواره و بی مسکن در آنها سکنی گزیده اند، حمله کردند و با گاز اشک آور و مایوم آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. در نتیجه این اعمال وحشیانه، عده ای زخمی و ۶۰ تن بازداشت شدند.

بانو گاندی: دوستی هند و اتحاد شوروی بیش از پیش گسترش خواهد یافت

بانو ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند، گفت که دیدار لئوید برژنف، رهبر اتحاد شوروی، قدرت و دوام روابط دو کشور را مورد تاکید قرار داده است. خانم گاندی ایران را پشتیبان آزادی و دوستی دو کشور بیشتر از پیش گسترش خواهد یافت.

سازمان ملل متحد با زهم اسرائیل را محکوم کرد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به بحث های خود در مورد مساله فلسطین پایان داد. در اسنادی که بوسیله اکثریت قاطع اعضاء به تصویب رسید، بار دیگر لزوم تسریع در اجرای قطعنامه های سازمان ملل متحد در مورد حقوق ملت فلسطین، مورد تاکید قرار گرفت.

نگرانی در اروپای غربی از سخنان جنگ طلبانه آمریکایی ها در مورد لهستان

خبرگزاری تاس از نیویورک گزارش داد که يك هیئتی نظامی ضد شوروی در اطراف لهستان، در آمریکا دامن زده میشود. این خبرگزاری، به نقل از روزنامه های آمریکایی، می افزاید که هدف اعلامیه های تحریک آمیز کارتر و برژنسکی آن است که تحولات از همه مرزهای منطقی فراتر رود. سخنان جنگ طلبانه بوسیله سخنگویان دولت کنونی آمریکا، هم در آمریکا و هم در خارج آمریکا، بویژه در اروپای غربی، نگرانی جدی بوجود آورده است.

شوخی نیست...!

دکتر صادق قانعی متخصص «القاء ایدئولوژی»

مدتی است بیماری «آ ایدئولوژی» (آ - بمعنای کمبود است) بصورت واکبر (ایدیمی) در کشور ما شیوع یافته و در مطب من غلغله است. من متخصص القاء ایدئولوژی هستم و غیر از دو نوع ایدئولوژی، که قبیل القاء نیستند، هر نوع ایدئولوژی که بیمار خواهد، میتوانم به او القاء کنم، از جمله ایدئولوژی های شبه مارکسیستی، نیمه مارکسیستی، ضد اسلامی، شبه اسلامی، اسلامی آمریکائی، مائوئیستی، مائوئیستی افراطی چپ، مائوئیستی افراطی راست، بورژوازی، کلان - بورژوازی، نیمه بورژوازی، لیبرالی، لیبرال - مائوئیستی، نیمه لیبرالی، تمام لیبرالی، انقلابی، انقلابی راست، انقلابی چپ، فئودالی، فئودال - بورژوازی، بورژوا - فئودالی، ... خلاصه انواع و اقسام و اشکال ایدئولوژی.

نام من «صادق» است، یعنی من صادق و با صداقت کار میکنم و اگر ظاهراً کلکی در کار من مشاهده شود، این کلک مربوط به شغل و حرفه من است و کسی نباید در صداقت من شک کند. نام فامیل من «قانعی» است، یعنی من قانع هستم، نه فقط باین دلیل که پولدیزیت کم میکنم و یا اصلاح نمیکنم، بلکه از این جهت که بیمار هر قدر ایدئولوژی خواهد، همانقدر به او القاء میکنم. اگر کمش باشد، بعد دوباره رجوع خواهد کرد.

من متخصص القاء ایدئولوژی هستم، و چون تجربه هم دارم، میدانم که دو نوع ایدئولوژی قابل القاء نیست: یکی ایدئولوژی اسلامی (نه هر اسلامی)، آن اسلامی که میخواهد سر به تن آمریکا، سرمایه داران بزرگ، فئودالها، محترمان، چپالوگران خارجی و داخلی نباشد؛ یکی هم ایدئولوژی مخصوص «توده ایها» این دو نوع ایدئولوژی قابل القاء به احدی نیستند. دارندگان آنها يك عمر زحمت کشیده اند، تا آنها را یاد گرفته اند و اگر هر متخصص القاء ایدئولوژی ادعا کند که از این دو نوع ایدئولوژی میتواند القاء کند، دروغ گفته است.

ولی در مورد این دو نوع ایدئولوژی کلکی بدم، که گاهی به کار میبرم. این ترفند حرفه ای من است. به آنها که ایدئولوژی اسلامی از نوع ضد استکباری دارند، میگویم: تو «توده ای» هستی، یا از ایدئولوژی خود دست بردار و بدین وسیله ثابت کن که «توده ای» نیستی، یا لابل «توده ایها» را فحش کاری کن. در عوض به رهبر «توده ایها» هم لقب «آیت الله» دادم و به «توده ای» میگویم: تو ایدئولوژی اسلامی را به عاریت گرفته ای، تا «توده ای» هم به سود مستکبران یا ایدئولوژی اسلامی مخالفت کند. اما تجربه تاکنون به من ثابت کرده است که این ترفند حرفه ای من تقریباً هیچ تأثیری ندارد. اوایل کمی تأثیر داشت، یعنی برخی مسلمانان «توده ایها» را فحش کاری میکردند و هنوز هم برخیها به اینکار ادامه میدهند. ولی مرتباً از تأثیر این ترفند کاسته میشود.

سه هفته پیش جوانی به مطلب من مراجعه کرد (صفحه ۱۴۱ دفتر) و تقاضا کرد که قدری ایدئولوژی لیبرالی به او القاء کنم. پرسیدم چکاره ای؟ گفت کارگر. به او گفتم ایدئولوژی لیبرالی به تو قابل القاء نیست و او را فرستادم رفت. من میدانم چه نوع ایدئولوژی را به چه کسی میتوان القاء کرد. در دفتر (صفحه ۱۵۴) یادداشت کرده ام: مردی که سابقه بساز و بفروشی داشته مراجعه کرده است. مزاج او خیلی استمداد القاء ایدئولوژی لیبرالی داشت. من افراط نکردم. فقط به او حالی کردم که اگر این انقلاب ریشه بگیرد، تو دیگر اگر پشت گوشت را دیدی، بساز و بفروشی، هم خواهی دید. گفت چکنم؟ گفت تکذار بیاگیرد. گفت چکنونه؟ گفتم بلند بگو آزادی میخواهم (و تو دلت بگو بگو برای بساز و بفروشها). با تشکر صمیمانه، مطلب را ترک کرد.

مردی که کارش خرید فلنل از پاکستان کفرانس يك شورای دائمی سازمان دمکراتیک زنان افغانستان را انتخاب کرد و از همه زنان خواست که در مبارزه برای ساختن جامعه نوین فعالانه شرکت کنند.

در جنگ عاد لانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم